

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی (۱۳۳۷-۱۳۵۷)

امین صادقی‌بکیانی^۱/ابراهیم عباسی^۲/بهرام اخوان کاظمی^۳

چکیده

فهم جدید از دین در حوزه علمیه قم منجر به ظهور کنشگرانی با رویکردهای فکری و عملی متفاوتی از حوزه سنتی شد. این روند از دهه ۱۳۲۰ ابعاد جدیدی پیدا کرد و در اواخر دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ و بعد از آن به شکل و ماهیت تقابلی با حکومت پهلوی در قالب مبارزه طیف جوان و نوگرایی حوزه به رهبری امام خمینی، به خود گرفت. این مقاله در پی برقراری پیوند میان زمینه و زمانه اجتماعی و سیاسی با مفاهیم و اندیشه‌هاست و درصدد پاسخ به این پرسش اساسی است: زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی، چه تأثیری بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی داشته‌اند؟ فرضیه مقاله نیز این است: پیدایش هر پدیده اجتماعی متأثر از سلسله زمینه‌ها، عوامل و رخدادهاست اجتماعی و سیاسی است که باعث شکل‌گیری آن پدیده می‌گردند و گفتمان مبارزه در آراء هاشمی نیز برآیند سلسله‌ای از این زمینه‌ها، عوامل و رخدادها بوده که در این مقاله به تبیین آنها پرداخته خواهد شد. یافته‌ها حاکی از آن است که هاشمی در فضای معرفتی خاص آن زمان به دنبال تغییر روابط نامتعادل قدرت بوده و این را در قالب گفتمان مبارزه در دو مقطع ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۴ و ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷ به واسطه متون نوشتاری یا گفتاری در قالب «مبارزه سیاسی»، «مبارزه فرهنگی» و «مبارزه» پیگیری کرده است.

واژه‌های کلیدی: هاشمی‌رفسنجانی، مبارزه سیاسی، مبارزه مسلحانه، مبارزه فرهنگی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، بخش علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

aminsadeqibakyani@gmail.com

۲. دانشیار بخش علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

e.abbassi.ir@gmail.com

۳. استاد بخش علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

kazemi@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲ نوع مقاله: پژوهشی

The Political and Social Contexts and Factors Influencing the Formation of the Discourse of Struggle in the Views of Ayatollah Hashemi Rafsanjani (1958-1979)

Amin SadeqiBakhyani^۱/ Ebrahim Abbassi^۲/ Bahram Akhavankazemi^۳

Abstract

A new understanding of religion within the Qom seminary led to the emergence of actors with distinct intellectual and practical approaches, diverging from traditional clerical paradigms. This trend gained new dimensions from the 1940s onward and, by the late 1950s and 1960s, evolved into a confrontational stance against the Pahlavi regime, embodied in the struggle led by Ayatollah Khomeini and the younger, reformist faction of the seminary. This article seeks to establish a connection between socio-political contexts and the conceptual and ideological developments of the time, addressing the central research question: “How did political and social contexts and factors influence the formation of the discourse of struggle in Ayatollah Hashemi Rafsanjani’s views?” The hypothesis posits that the emergence of any social phenomenon is shaped by a series of contextual factors, social conditions, and political events, and the discourse of struggle in Rafsanjani’s thought was likewise the product of such historical and structural influences, which this study aims to elucidate. The findings indicate that Rafsanjani, operating within the epistemic framework of his time, sought to transform unequal power relations. This objective was articulated through the discourse of struggle in two distinct phases—1959-1965 and 1965-1979—manifested in written and spoken texts framed as political struggle, cultural struggle, and armed struggle.

Keywords: Hashemi Rafsanjani, political struggle, armed struggle, cultural struggle.

-
1. PhD student in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. aminsadeqibakhyani@gmail.com
 2. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. e.abbassi.ir@gmail.com
 3. Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. kazemi@shirazu.ac.ir

۱. مقدمه

شخصیت سیاسی آیت‌الله اکبر هاشمی‌بهرمانی و متعاقب آن دایره فکری و گفتمانی ایشان از مجموع زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مختلفی و با کنار هم قرار گرفتن ایدئولوژی‌های متفاوت و بعضاً متضادی شکل گرفته است. شاید کمتر فردی را در نیم‌قرن گذشته بتوان مثال زد که در مقاطع مختلف قبل و مخصوصاً بعد از انقلاب، فرد بسیار مهم و عموماً تعیین‌کننده‌ای در شطرنج سیاسی ایران (تحولات، وقایع و رویدادها) بوده است. اکبر هاشمی‌بهرمانی، معروف به «هاشمی رفسنجانی» که تصویر صفحه اول پرونده ایشان در ساواک نیز مؤیدی بر این امر می‌باشد (مراسان، ۲۰ دی ۱۳۹۵)، در اولین باری که به ساواک احضار می‌شود هویت خود را چنین بیان می‌کند: نام اکبر، نام پدر علی، نام خانوادگی هاشمی‌بهرمانی، شماره شناسنامه ۳۰۸، صادره رفسنجان، تاریخ تولد ۱۳۱۳، محل تولد قریه بهرمان رفسنجان، مذهب اسلام شیعه جعفری، متأهل دارای یک پسر و دو دختر هستم، شغل محصل علوم دینی در قم، میزان تحصیلات قریب‌الاجتهاد، محل سکونت قم، خیابان صفائی، کوچه پژویان، خانه آقای دکتر مصفا (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۱/۱۳/۰۰: ۴۴۱).

هاشمی درخصوص چرایی رفتن به حوزه با توجه به توانایی خاص ایشان نیز اظهار داشته: «در آن زمان در روستا چنین افکاری نبود ولی پدرم علاقه‌مند بودند به حوزه بروم. خودشان با اینکه شغل روحانیت نداشتند از لباس روحانیت استفاده می‌کردند» (خورشیدوند، ۱۳۹۸: ۱۹۸). برخلاف تصور خانواده، هاشمی با حوزه و شهر قم عجین می‌شود و در خاطراتش این چنین می‌گوید: «من تا رسیدن به شرح لمعه از قم بیرون نرفتم (تا سال ۱۳۳۰)، با آنکه تابستان‌ها معمولاً طلاب به وطن خود برمی‌گشتند (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۵). اولین سفرم به روستای بهرمان، پس از سه سال اقامت پیوسته در قم و رسیدن به شرح لمعه بود» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۹۰). فضای سیاسی قم و سراسر کشور، مخصوصاً در سال‌های ۱۳۲۸ تا

۱۳۳۲ و مسائل مربوط به ملی شدن نفت، فدائیان اسلام، ماجراهای آیت الله کاشانی و دکتر مصدق و حرکت تدریجی جامعه به سوی بیداری، هاشمی را که یک جوان طلبه بود، به کانون مسائل کشاند، به گونه ای که خاطرات تلخ و شیرین بسیاری از آن سال ها داشت (هاشمی، بی تا). البته هاشمی نسبت به اینکه چرا فردی سیاسی شده اظهار می دارد: «من تا به حال این قدر به دنبال یافتن این پرسش برنیامده بودم که چه شد من این قدر سیاسی شدم و علاقه مند به مسائل سیاسی و اجتماعی» (زیباکلام، ۱۳۸۸: ۲۹). ساواک در طول سال های بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۴، به تناوب در سال های ۴۳، ۴۶، ۵۰ و ۵۱ چهار مرتبه اقدام به بازداشت هاشمی برای محدودسازی و به حاشیه رانی ایشان در پیش می گیرد ولی هاشمی سیاست «منبر و میدان» را تا ۱۳۵۴ رها نمی کند. پنجمین بار سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۵۷ طولانی ترین مدت زمان زندان ایشان می باشد (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۱/۰۰۳۳: ۴۷۰؛ ۱۳۴: ۰۱۳۴؛ ۰۶۵۳؛ ۰۶۱۴؛ ۱۱۷۳؛ ۰۷۲۷؛ ۱۲۶۷؛ ۰۸۵۷؛ ۱۴۱۰؛ مراسم، ۲۱ دی ۱۳۹۵). ساواک هاشمی را فرد ناراحت و آشوبگری معرفی می کند که طی مدتی که در زندان بوده نسبت به گذشته آبدیده تر شده و در افکار خود سخت تر گشته و پس از آزادی از زندان جسورانه تر از قبل دست به فعالیت های غیرقانونی زده است و با توجه به نفوذ در اطرافیان اقدام به تحریک جوانان نموده است (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۳/۰۶۸۴: ۱۲۱۸). سال ۱۳۵۶ هاشمی به سه سال حبس محکوم می گردد (مراسم، ۲۱ دی ۱۳۹۵).

طبعاً یکی از مهم ترین افراد «روحانی- سیاسی» مرحوم هاشمی است که بیش از نیم قرن در صحنه سیاست ایران در قامت مبارزه با رژیم پهلوی که از مبارزه فرهنگی- عقیدتی و نظری- شروع شده و به مبارزه سیاسی- زندان و حبس- منتهی شده تا تصدی عالی ترین جایگاه های سیاسی در دوران جمهوری اسلامی حضور و نقش آفرینی داشته است. رمززدایی از گفتمان هاشمی به رمززدایی از ایدئولوژی و قدرت در افق دید سیاسی ایشان منجر می شود. گفتمان که جمع ایدئولوژی های خاصی است، برای درک حقیقت می باشد. این درک حقیقت

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۳۳

به واسطه زمینه‌های تاریخی، روابط قدرت- سلطه و نهادهای فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک، میسر می‌شود. با توجه به رابطه مستقیم بین تفکر و جامعه سؤال مقاله این است زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی، چه تأثیری بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داشته‌اند؟ معرفت شکل‌گرفته تا چه میزانی، منبعث از عوامل اجتماعی است؟ فرضیه مقاله نیز این است که پیدایش هر پدیده اجتماعی متأثر از سلسله زمینه‌ها، عوامل و رخدادهای اجتماعی و سیاسی است که باعث شکل‌گیری آن پدیده می‌شوند و گفتمان مبارزه در آراء هاشمی نیز برآیند سلسله‌ای از این زمینه‌ها، عوامل و رخدادهای بوده که در این مقاله به تبیین آنها پرداخته خواهد شد. روش مقاله کیفی و روش گردآوری داده‌ها رجوع به منابع اصیل شامل اسناد مبارزه، متون نوشتاری و مصاحبه‌های هاشمی است.

۲. پیشینه و ادبیات تحقیق

درخصوص هاشمی رفسنجانی کتب و مقالات متعددی منتشر شده است. منتها بیشترین آثار مرتبط با کار پژوهشی ما (مقطع قبل از انقلاب اسلامی) بدین شرح است:

۱. در رابطه با اندیشه هاشمی، حمیدرضا اسماعیلی (۱۳۹۷) کتابی با عنوان «اندیشه سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» نگاشته است. تلاش برای بررسی علمی آراء و اندیشه‌های هاشمی توسط نگارنده، ستودنی و به تحلیل ایدئولوژی و گفتمان هاشمی براساس مکتوبات به‌جامانده از ایشان پرداخته، منتها به زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان هاشمی و آثار آن بر گفتمان مبارزاتی وی اشاره‌ای نشده‌است.

۲. کتاب «تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ» اثر مسعود رضوی (۱۳۹۷) به شکل جامع تاریخ سیاسی معاصر ایران از انقلاب اسلامی تا دوران سخت جنگ را روایت می‌کند. نویسنده در این کتاب تلاش کرده است تا درک روشنی از این دوره تاریخی در ایران ارائه

دهد. کتاب حاضر دو عرصه قرین و هم‌محتوا را به خواننده عرضه می‌کند: ۱- چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر سیاسی ایران تا شروع جنگ تحمیلی. ۲- برهه‌هایی از مبارزه و مدیریت سیاسی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی. در بخش نخست کتاب سعی شده است چکیده‌ای از مسائل تاریخی معاصر ایران، به‌صورتی تحلیلی ارائه شود. در بخش دوم، اهم مسائل و رخداد‌های نخستین سال‌های جمهوری اسلامی ایران تا وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران گزارش شده است. در این بخش، به‌صورتی گسترده از اسناد و جراید آن دوران بهره‌گیری شده است. علاوه بر این، جزوات سیاسی و بیانیه‌ها و کتاب‌های مربوط به گروه‌ها و احزاب فعال در آن دوران، بخش دیگری از اسناد مورد رجوع نگارنده بوده که حتی‌الامکان از آنها غفلت نشده و مشخصات جزئی و دقیق هریک در پانوش‌ت صفحات آورده شده است.

۳. روح‌الله خورشیدوند رساله دکتری با عنوان «نقش باورهای فلسفی پراگماتیستی بر رفتار سیاسی؛ مطالعه موردی احمد قوام و هاشمی رفسنجانی» را در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه تهران دفاع نموده است. این رساله، براساس نظریه باورها و همچنین شخصیت‌های ضروری و غیرضرور در اندیشه روان‌شناسانی مانند گرینستاین نگارش شده است. این اثر از آنجایی که با بهره‌گیری از نظریات روان‌شناسی و نظریات سیاسی به رفتارشناسی سیاسی آقای هاشمی پرداخته در فهم آراء و نظریات ایشان یاریگر می‌باشد.

۴. رضوان افخمی در سال ۱۳۹۳ از پایان‌نامه‌ای با عنوان «زندگی و مبارزات سیاسی اکبر هاشمی رفسنجانی و نقش وی در پیروزی انقلاب اسلامی» در پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دفاع کرده است. این پژوهش صرفاً در قالب توصیفی بوده ولی یکی از نکات برجسته آن دسته‌بندی موضوعی از فعالیت‌های هاشمی در دوران قبل از انقلاب می‌باشد. هدف این اثر، ارائه تحلیلی از آراء یکی از مهم‌ترین نخبگان برخاسته از شأن اجتماعی روحانیت در ایران است، تا بتوان فهم دقیق‌تری از کنشگری وی

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۳۵

با رجوع به خاطرات، اسناد، منابع تاریخ شفاهی، متون و یادداشت‌ها و مقالات و خطبه‌های ایشان قبل از انقلاب به دست داد. منابعی که کمتر از آنها در بررسی آراء و نظرات هاشمی استفاده شده است.

۳. زمینه‌های اجتماعی و سیاسی شکل‌دهنده به گفتمان مبارزه در آراء هاشمی؛ زمینه‌ها و

عوامل دور

۳-۱- سنت و مدرنیته: پیدایش مشروطه

با رویارویی سنت و مدرنیته در اواخر قاجار و ظهور مشروطه «تا پیش از بالا گرفتن بحث‌های نظری دوران مشروطیت، نظریه سیاسی پویایی از سوی عالمان شیعه مطرح نشد و این فضای خالی در شتاب‌بخشیدن به گرایش‌های آینده بسیاری از علمای اصولی به دستاوردهای سیاسی مغرب زمین بی‌تأثیر نبود. با این حال مهم‌ترین گامی که در این زمان برداشته شد تداوم تأکیدی بود که همواره عالمان اصولی بر اولی‌الامر نبودن پادشاه می‌کردند و این خود تا حدود زیادی در تضعیف آینده استبداد قاجار در برابر افکار نو مؤثر بود» (شیخ فرشی، ۱۳۸۰: ۱۵). در زمان پهلوی اول «حوزه علمیه قدرتمند بود ولی ساکت باقی ماند؛ (در) دوره رضاشاه و تلاش وی برای عرفی کردن حکومت (سکولاریزاسیون) و مدرنیزاسیون (با) روش ضد مذهبی رضاشاه و شیوه‌های دیکتاتوری وی باعث شد روحانیون برای حفظ خود دست به تأسیس حوزه دینی قم در سال ۱۳۰۱ بزنند» (کدیور، ۱۴۰۰). روحانیت، در دوره رضاخان در وضعیتی قرار گرفت که مایکل فیشر از آن به «حمله و دفاع» تعبیر می‌کند. دفاع از آنچه به آرامی در فرآیند مدرنیزاسیون از بین می‌رفت و حمله به آنچه بیرون از حوزه رخ می‌داد و به شکل گنوسی (ثنویت) با جهان خارج آشکار می‌شد (فراتی، ۱۳۹۷).

زمینه‌ها و عوامل نزدیک

۲-۳ دین‌گرایی و مطبوعات دینی در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰

بی‌تردید دوره رضاخان، دوره مبارزه با مذهب و از میان بردن سنت‌ها و نهادهای مدنی دینی مانند حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه است. دورانی که با فشار و استبداد رضاخان، تمام حوزه‌های علمیه تعطیل شده و تنها افراد معدودی اجازه یافتند در کسوت روحانیت باقی بمانند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۴). با رفتن رضاخان، مذهبی‌ها بیشتر از دیگران خشنود گشته، طبل شادی را به صدا درآوردند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۶). رژیم تازه‌کار پهلوی دوم نیز که زیر نظر انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها و عوامل وابسته، سرکار آمد، برای دفع خطر کمونیست‌ها، و به‌ویژه جلوگیری از نفوذ شوروی به مذهب توجه داشت. طبعاً این توجه به حدی بود که سبب پدید آمدن گروه‌های رادیکال مانند فدائیان اسلام نشود. با این حال رژیم نه تنها با انتشار مطالب دینی موافقت داشت، بلکه رادیو را در خدمت آنان قرار داده بود. درواقع تلاش رژیم آن بود تا مذهب به اندازه‌ای که بتواند جلوی کمونیسم را بگیرد، تقویت شود (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴).

یکی از تبعات کم‌شدن اقتدار دولت‌ها و باز شدن فضای سیاسی کشور، تشکیل ده‌ها حزب، انجمن، جمعیت و اتحادیه بود که به گفتمان سیاسی حاکم بر کشور تنوع زیادی می‌بخشید. در این فضای گفتمانی متنوع و متکثر، مطبوعات و نشریات، موقعیت را غنیمت شمرده و یکی از شکوفاترین دوره‌های خود را در تاریخ معاصر ایران تجربه کردند (سمیعی، ۱۳۹۷: ۳۷۴). مطبوعات دینی پس از شهریور بیست، ابتدا در تهران و توسط شماری از روحانیون و متدینین غیرروحانی، انتشار یافت. در آن زمان، همکاری حوزه قم با آن مطبوعات چندان گسترده و تنها به صورت جسته‌وگریخته مقالاتی از طلاب قم و بیشتر با عنوان «دانشجوی

علوم دینی» در آن مطبوعات به چاپ رسید. این وضعیت از سال ۱۳۳۰ دگرگون شد و برای نخستین بار نشریاتی در قم انتشار یافت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۳۹-۳۴۰).

۳-۳- جریان اسلام سیاسی دهه ۱۳۲۰

فدائیان اسلام مهم‌ترین منادیان اسلام سیاسی در دهه بیست و پیشگام این گفتمان در ایران به شمار می‌آیند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۴۸). این جمعیت که شهرت آن مدیون کلام نافذ رهبر خود نواب صفوی و ترورهای بااهمیت و پرسروصدای آنان در تاریخ معاصر است، یک گرایش مذهبی انقلابی به شمار می‌رود که طی یک دهه با فعالیت سیاسی جدی (۱۳۲۴-۱۳۳۴) تأثیر عمیقی در صحنه سیاسی و مذهبی ایران برجای گذاشت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۸۳). نواب صفوی علاقه داشت آن حوزه را که طلاب جوان فراوانی جذب کرده بود به یکی از پایگاه‌های خود تبدیل کند. او توانست از میان طلاب، یارگیری و در این شهر به سخنرانی پردازد (حوزه، ۱۳۶۸: ۳۶؛ در فراتی، ۱۳۹۵). نواب می‌گفت: «اگر می‌خواهیم اسرائیل را ساقط کنیم، باید از تهران شروع کنیم؛ یعنی اول باید رژیم پهلوی را از بین ببریم تا بتوانیم با اسرائیل بجنگیم» (محلّاتی، ۱۳۷۶: ۲۵). نواب در سال ۱۳۳۳ در کنگره اسلامی که با هدف نجات فلسطین در بیت‌المقدس تشکیل شده بود، شرکت و سخنرانی آتشینی در دفاع از آرمان فلسطین ایراد کرد. پس از آن عازم مصر شد و با رهبران اخوان‌المسلمین دیدار کرد و در عین تأثیرگذاری، از آنان تأثیر پذیرفت و در بازگشت از مصر، به ستایش آنان پرداخت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۹۸).

هاشمی در پاسخ به این پرسش که چرا عضو فدائیان اسلام نشدید؟ علت آن را ممانعت اعضای خانواده اخوان‌مرعشی ذکر می‌کند که در آن برهه در منزلشان سکونت داشته و آنها می‌گفته‌اند که درست نیست عضو فدائیان شود (هاشمی، ۱۳۹۲). ارتباط هاشمی با فدائیان اسلام به گفته ایشان به نحوی بوده که «به‌عنوان سمپات فدائیان اسلام یا آقای کاشانی در برنامه‌ها شرکت می‌کردیم ... شهید واحدی از فدائیان اسلام، سخنرانی‌های پرشوری می‌کرد.

شهید نواب صفوی هم چندبار سخنرانی کرد. آیت‌الله کاشانی هم یک سفر به قم آمد (زیباکلام، ۱۳۸۸: ۳۰) و ایشان میزان اثرپذیری از این گروه را این‌گونه توصیف می‌کند: «در آن روزگار(دهه ۲۰) در آماده‌سازی و رشد سیاسی نسل جوان حوزه موج این حرکت‌ها بی‌تردید اثرگذار بود» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۵).

۳-۴- جریان حزب توده

محبوبیت حزب توده در داخل و جذب گروه‌های مختلف مردم به مرام و مسلک این حزب، زمینه‌ساز نزدیکی و سازش رژیم پهلوی با نهاد مذهب گردیده بود. درواقع ایدئولوژی کمونیستی به‌عنوان آلترناتیوی قدرتمند، در حال نفوذ و یارگیری از بین طبقات مختلف جامعه بود و این می‌توانست خطری بالقوه برای هم ایدئولوژی شاهنشاهی پهلوی و هم ایدئولوژی اسلامی باشد. حزب توده که نماینده اندیشه‌های چپ در کشور محسوب می‌شد، توانست با بهره‌برداری از فضای باز سیاسی در دهه ۱۳۲۰ قدرت سابق خود را بازیابد (خسروپناه، ۱۳۷۷: ۱۷).

با تغییر نگاه روحانیون نسبت به رژیم پهلوی، اقداماتی برای مقابله با نفوذ ایدئولوژی کمونیستی صورت گرفت. روحانیون کمونیست‌ها را الحادی می‌دانستند و به‌صورت مداوم به گوش مردم می‌رساندند که مرام کمونیست‌ها مرامی ضدخدا و نفی ذات مقدس باری تعالی است. آنها در میان روستاییان که یکی از کانون‌های نفوذ کمونیست‌ها بود، حضور پیدا می‌کردند و آنها را نسبت به خطر و توطئه کمونیست‌ها آگاه می‌ساختند (فلسفی، ۱۳۷۶: ۱۱۰). این دشمن مشترک (حزب توده)، فضای سیاسی را برای روحانیت باز می‌کرد؛ چون روحانیت بهترین بستر برای از بین بردن چپ‌گرایی بود. محمدرضا شاه به همین دلیل در این دوره خیلی از مذهب طرفداری می‌کند. اگر مردم به مسجد بروند، دیگر به میتینگ‌های حزب توده نخواهند رفت. البته روحانیت از سیاست دور نگه داشته می‌شود و فقط فضای فرهنگی برای آنان باز می‌شود (دیدهبان اندیشه، ۱۴۰۰: ۱۱۹).

خاطره هاشمی از حزب توده در آن ایام آن‌طور که خود بیان می‌کرد این‌چنین است: «حساب توده‌ای‌ها جدا بود. یکی از خاطره‌های فراموش‌نشده‌ی ما همان جریان معروف سیدعلی‌اکبر برقی است که به بهانه استقبال از او، توده‌ای‌ها حرکتی در قم انجام دادند؛ طلبه‌ها را کتک زدند؛ در حرم، مقابل ایوان آئینه به طلبه‌ها و آقای بروجردی و حتی به قرآن اهانت کردند» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۱۰).

۳-۵ - جریان نهضت ملی

با بالاگرفتن نهضت ملی‌شدن نفت، جبهه ملی و گفتمان مشروطه نیز اوج گرفت، گفتمان پهلویسم را به حاشیه رانده و شاه را به پذیرش نقشی کاملاً فرعی و حتی تحقیرآمیز در سیاست ایران واداشت. نهضت ملی بازگشت گفتمان مهجور مشروطه‌خواهی بود و برای مدتی موقعیت شاه را تضعیف کرد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۵۱). آیت‌الله کاشانی شکل جمهوری حکومت را مناسب ایران نمی‌دانست. بنابراین به نظر می‌رسد هرچند وی را به لحاظ نظری نمی‌توان از پیشگامان گفتمان اسلام سیاسی در ایران به شمار آورد، ولی او با ورود به سیاست، در زمانی که مشی علمای بزرگ حوزه کناره‌گیری از سیاست بود، راه را برای سیاسی‌شدن حوزه‌ها هموار کرد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۶۲).

هاشمی درخصوص اثرپذیری از جبهه ملی اظهار می‌دارد: «جبهه ملی اجمالاً برای ما جاذبه داشت. شعارهای مربوط به ملی‌شدن صنعت نفت ما را جلب می‌کرد. از غارت‌شدن این ثروت ملی توسط بیگانگان ناراحت بودیم. سخنرانی‌هایی را که در این زمینه‌ها بود گوش می‌دادیم و در میتینگ‌هایشان شرکت می‌کردیم ... می‌توانم بگویم که مایه اصلی روحیه سیاسی من از همان زمان است و تحت‌تأثیر موج حرکت جبهه ملی، مبارزات آیت‌الله کاشانی و از همه بیشتر، فدائیان اسلام. سرکوبی فدائیان اسلام ما را نسبت به دکتر مصدق بدبین کرد و از جبهه ملی -به خاطر ظلم به آیت‌الله کاشانی و تضعیف فدائیان اسلام- ناراحت شدیم. به آقای کاشانی هم علاقه‌مند بودیم. در سفری که به قم آمدند، همه‌جا

همراهشان می‌رفتیم» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۸-۱۰۹). ساواک در سال ۱۳۴۸، نشریه جبهه ملی که هاشمی از طریق پست از نجف‌اشرف سفارش داده بود را بررسی و احتمال داده که ایشان از توزیع‌کنندگان آن در کشور باشد (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۱/۳۵۹/۲: ۰۳۵۹/۲-۸۲۹-۸۳۰).

۳-۶ - از مرجعیت محتاط تا مرجعیت مبارز

حوزه علمیه قم، متأثر از اندیشه و سیره آقایان حائری و بروجردی (مرجعیت محتاط)، تا ابتدای دهه ۱۳۴۰، به مسائل سیاسی و فعالیت مبارزاتی چندان علاقه‌ای از خود نشان نمی‌داد، بلکه نسبت به محدود حرکت‌های سیاسی روحانیون خارج از حوزه نیز مقاومت می‌کرد؛ نمونه آن بی‌مهری حوزه علمیه قم نسبت به مبارزات مدرس و آیت‌الله کاشانی و فعالیت‌های فدائیان اسلام است. این نهاد، نسبت به نوآوری‌های فقهی-کلامی مبتنی بر استدلال عقلی نیز حساسیت داشت و حتی به تغییر در روش ارائه دروس سنتی حوزه هم عکس‌العمل نشان می‌داد (پگاه حوزه، ۱۳۸۶). بررسی وضعیت عمومی حوزه علمیه قم در دوره مرجعیت آیت‌الله بروجردی که مجتهدی روشن و خردمند بود، نشان می‌دهد که حوزه یادشده، از هر جهت رشد کرد؛ رشدی که به‌عنوان یک جنبش فرهنگی، درآمد جنبش سیاسی شد که از سال ۴۰-۴۱ به بعد در قم به‌وجود آمد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۳۰-۲۳۱). تأسیس مجله حکمت، مکتب اسلام و مکتب تشیع که هر سه نقش قابل‌توجهی در به‌راه‌انداختن فعالیت‌های مطبوعاتی داشتند، در دوره حیات آیت‌الله بروجردی صورت گرفت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۳۱).

هاشمی معتقد است که علاقه وی نسبت به عظمت مرجعیت، از طریق آشنایی با آقای بروجردی صورت گرفته است (هاشمی، ۱۳۹۲) تاجایی که به خاطر علاقه‌ای که به آیت‌الله بروجردی داشت به‌خاطر نهی ایشان از دانشگاه رفتن طلبه‌ها به دانشگاه نرفته است (هاشمی، ۱۳۹۰). اما هاشمی تحول روحی خود را متأثر از رفتار امام و ابهت ایشان می‌بیند که از لحاظ

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۴۱

سیاسی مشی خاصی در آن موقع داشتند. ایشان از بحث شکست علما در سیاست سرخورده شده بود. کتاب کشف‌الاسرار را قبلاً نوشته بود و تمام اثر ایشان را داشتیم و در اکثر این چیزها با ایشان صحبت می‌کردیم (هاشمی، ۱۳۹۲). این جاذبه بعداً در دوران مبارزه به نحوی است که هاشمی در شرایطی که امام در تبعید بوده و فضای امنیتی بر کشور حاکم بوده است حاکمیت را نقد و هم برای ایشان از روی منبر دعا می‌کرد (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۲/۰۰۲۶: ۴۶۰). در گزارش اولیه بازداشت ایشان در سال ۱۳۴۳، ساواک قم خطاب به ساواک تهران، هاشمی را علیه رژیم و حامی (امام) خمینی معرفی می‌کند (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۱/۰۰۳۳: ۴۷۰). همچنین هاشمی به امضاء نامه مدرسین و فضلا حوزه خطاب به نخست‌وزیر هویدا به منظور بازگشت امام به ایران اذعان دارد (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۹/۰۰۵۰: ۵۰۸). استمرار این اثرپذیری تا جایی است که ساواک هاشمی را نماینده (امام) خمینی معرفی می‌کند (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۲/۰۰۸۰۹: ۱۳۵۷).

دوران پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، گام‌های نخست مبارزات علنی امام خمینی علیه رژیم پهلوی معرفی بود. البته پیش‌ازین، امام در آثار مختلفی چون نامه مشهور قیام‌الله در سال ۱۳۲۳، کتاب کشف‌الاسرار ۱۳۲۲ و حتی در خاتمه کتاب تعلیقه بر فوائدالرضویه در سال ۱۳۰۸، مخالفت خود را با این دستگاه حکمرانی ابراز کرده است (پرتال امام خمینی، ۱۴۰۳). هاشمی درخصوص مراودات استاد- شاگردی با حضرت امام ذکر می‌کند: «در مسیر رفت‌وآمد، گاهی با امام یا آقامصطفی همراه می‌شدیم و ضمن سلام و احوالپرسی سؤالی را مطرح می‌کردیم ... زمینه‌هایی از قبل هم داشتیم، از طریق کتاب کشف‌الاسرار که در پاسخ به بعضی منحرفین نوشته بودند و ضمن آن پرخاشی به پهلوی داشتند که برای ما جاذبه خاصی داشت» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۱-۱۰۳).

سرکوب قیام پانزده خرداد به رادیکال‌شدن نیروهای مذهبی منجر شد و آنان را به جست‌وجوی بدیلی مناسب برای سلطنت پهلوی تشویق کرد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۸۲). ۱.

اولین تأثیری که سرکوب قیام پانزده خرداد چهل و دو بر روند مخالفت با سلطنت پهلوی نهاد تغییر ماهیت مبارزه از سیاسی به نبرد مسلحانه و در میان بسیاری از نیروها و گروه‌های مخالف شاه بود. ۲. دومین تأثیر جنبش پانزده خرداد ۱۳۴۲، هم‌نشینی استعمار در کنار استبداد داخلی و حمله توأمان مخالفین شاه علیه هر دو بود. ۳. سومین تأثیر که بی‌گمان مهم‌ترین تأثیر قیام ۱۵ خرداد به حساب می‌آید ارائه نظام بدیل یا آلترناتیو نظام سلطنت در ایران است. با طرح نظریه ولایت‌فقیه در سال ۱۳۴۸ و رد نظریه سلطنت ولو به نحو مشروطیت، اپوزیسیون مذهبی به رهبری امام خمینی وارد فاز جدیدتری از مبارزه شد. ۴. تغییر جغرافیای مکانی مرکز مخالفت با شاه از تهران به قم، اشاره کرد. ۵. قرار گرفتن مرجعیت شیعه در سطح رهبری سیاسی نیروی مذهبی یکی دیگر از نتایج واقعه ۱۵ خرداد است. ۶. پیدایش نسلی از روحانیون، پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ صورت گرفت که سعی نمودند پس از تبعید امام خمینی از ایران به ترکیه و سپس عراق، مقابله‌ای را که ایشان مابین قم و رژیم پهلوی به وجود آورده بودند همچنان ادامه دهند (فراستی، ۱۳۸۱).

۳-۷- گروه‌های چریکی

پیدایش گروه‌های چریکی در ایران را باید حاصل حوادث جهانی و داخلی دانست (صدرشیرازی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۵). در دهه ۱۳۴۰، ورود اندیشه مبارزه مسلحانه چریکی به ایران با ترجمه آثاری از رهبران انقلاب‌های کمونیستی همراه بود. آثاری مانند «جنگ چریک شهری» نوشته کارلوس ماریگلا، «شورشگری و ضدشورشگری» حاصل مطالعات محققان آمریکایی بود که توسط نهضت آزادی خارج کشور ترجمه شد، «چه باید کرد» نوشته لنین، «استراتژی جنگ‌های پارتیزانی» و «کتاب سرخ» اثر مائو تسه‌تونگ، «سال پنجم انقلاب الجزایر» نوشته فرانتس فانون، «چگونه می‌توان یک کمونیست خوب بود» اثر لیو شائوچی، «جنگ مسلحانه» اثری از جنبش الفتح، «انسان و سوسیالیسم در کوبا» و «جنگ چریکی یک روش» اثر چه‌گوارا، «انقلاب در انقلاب» نوشته رژی دبره و آثاری از فیدل کاسترو،

ژنرال جیاپ و جزواتی از خسرو روزبه. با الهام از این گونه آثار، رهبران گروه‌های چریکی در ایران نیز به تولید ادبیات در این حوزه پرداختند. بیژن جزنی کتاب‌های نبرد با دیکتاتوری شاه، طرح جامعه‌شناسی و مبانی استراتژی جنبش انقلابی خلق ایران، چگونه مبارزه مسلحانه توده‌ای می‌شود، تاریخ سی‌ساله اخیر در ایران و... را نوشت (مولوی و توکلی، ۱۳۹۷: ۴۳). استراتژی جنگ مسلحانه علیه رژیم پهلوی و شکل‌گیری جنبش‌های چریکی در ایران، پژواک تحولاتی بود که در کشورهایی چون ویتنام، الجزایر، آلبانی، چین، روسیه و کوبا توسط جریان‌های مسلح مارکسیستی شکل گرفت، البته در ایران افزون بر اینکه تشکلهای مختلف چریکی وجود داشت از گونه‌های مختلف جنگ چریکی (روستا-شهر) و (شهر-روستا) استفاده می‌شد که عموماً این جریان‌ها با نارسایی‌هایی روبه‌رو بودند و می‌توان کاستی‌های آنها را در دو بخش اندیشه و عمل ملاحظه نمود (مولوی و توکلی، ۱۳۹۷: ۵۸).

۸-۳ - نهضت ترجمه آثار عربی و انقلاب‌ها

پس از قیام پانزده خرداد، جریان فرهنگی دیگری میان برخی از روحانیون و روشنفکران متدین این دوره شدت گرفت که در نشان دادن بُعد اجتماعی و سیاسی اسلام و برخورد آن با مسائل فرهنگی و سیاسی عصر، نقش مؤثری داشت (منظور جنبش ترجمه آثار اجتماعی-سیاسی و عربی-اخوانی به فارسی ازجمله آثار سیدقطب، محمد قطب و مودودی است) (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۵۴). بسیاری از کتاب‌های نهضت اخوان المسلمین در مصر و جماعت اسلامی در پاکستان در ایران ترجمه و منتشر می‌شد. این کتاب‌ها تأثیر عمیقی در سیاسی کردن اسلام در ایران داشتند. برخی معتقدند برای نخستین بار، ترجمه آثار سیدقطب بود که روحانیت شیعه را به فکر برقراری یک نظام اسلامی انداخت (سمیعی، ۱۳۹۷: ۵۶۴). در همین رابطه هاشمی اظهار دارد: «در آن سال‌ها غالب مبارزان به منابع اهل سنت تکیه می‌کردند. مثلاً آن نحله فکری که سیدقطب و دیگران در مصر آنها را نمایندگی می‌کردند یا آثاری

که از ابوالاعلی مودودی ترجمه می‌شد یا از اقبال لاهوری. یعنی نمونه‌های فراوانی داریم که نشان می‌دهد فعالان انقلاب اسلامی تا حد زیادی به‌خصوص در حیطه حکومت و سیاست، تحت تأثیر همین فضای موجود در میان اهل سنت قرار داشتند و خیلی از این منابع ترجمه می‌شد. مثلاً حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اثری از سیدقطب را به‌عنوان «آینده در قلمرو اسلام» در آن سال‌ها ترجمه کرده بودند» (هاشمی، ۱۳۸۷). همچنین هاشمی در پاسخ به پرسشی درخصوص اثرپذیری از جمال عبدالناصر، «ناصر» را شخصیتی می‌داند که در آن برهه برایشان جذاب بوده است (هاشمی، ۱۳۹۲)؛ ما با آثاری از مصریان مثل سیدقطب و یا حرکت ناصر و امثال این‌گونه مسائل مواجه بودیم (هاشمی، ۱۳۷۹)، آن موقع مصر یک رادیوی بسیار قوی داشت. ما می‌گفتیم که مصر با رادیوی خودش دنیای عرب را احیا کرده‌است. تحت تأثیر بحث‌های عربی بودیم (هاشمی، ۱۳۸۸). هاشمی سال ۱۳۴۶ بعد از جنگ اعراب و اسرائیل به‌منظور آگاهی از وضع اعراب دومرتبه به سفارت کویت مراجعه و این سفارت جراید کویتی را در اختیار ایشان قرار داده که در همین راستا ساواک که از قبل و محرمانه وی تحت‌نظر قرار داده بود، او را احضار و دراین خصوص سؤال/جواب می‌کند (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۱۲۵: ۶۰۶). همچنین ساواک، هاشمی را علاوه بر روحانیون، با نهضت آزادی نیز مرتبط می‌داند (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۶۲۷/۲؛ ۰۰۶۲۷/۱: ۱۱۳۸-۱۱۳۹).

۴. گفت‌وگو مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

فهم ما از جهان با گفت‌وگو شکل می‌گیرد. یورگنس و فیلیپس، گفت‌وگو را این گونه تعریف می‌کنند: «شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن» (یورگنس و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷). گفت‌وگو، تثبیت معنا در یک قلمرو خاص و مشخص می‌باشد. رویکردهای مختلفی به تحلیل گفت‌وگو وجود دارد که یکی از گونه‌ها «تحلیل انتقادی گفت‌وگو» می‌باشد.

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۴۵

«تحلیل گفتمان انتقادی تحت عنوان رهایی بخشی جانب گروه‌های اجتماعی ستم‌دیده را می‌گیرد» (نیروها و گروه‌های نادیده گرفته‌شده) (ویدوسن، ۱۳۹۳). تحلیل انتقادی گفتمان در کدام معنا انتقادی است؟ تحقیقات اجتماعی انتقادی به دنبال مورد خطاب قرار دادن «معضلات» اجتماعی (در مفهوم وسیع آن ناعدالتی، نابرابری و فقدان آزادی) در عصر حاضر است (فرکلاف، ۲۰۰۹). تحلیل انتقادی گفتمان میان تمرکز بر ساختار و تمرکز بر استراتژی‌های کارگزاران اجتماعی نوسان می‌کند. در این میان راهبرد به معنی مسیرهایی است که کنشگران در آن به دنبال کسب اهداف و نتایج مطلوب خود در ساختارهای موجود بوده و یا تصمیم به تغییر آن ساختارها به اشکالی خاص دارند (فرکلاف، ۲۰۰۹). روحانیت مبارز در کل و هاشمی به عنوان یکی از کارگزاران اجتماعی این طرز تفکر که از جانب حکومت پهلوی نادیده انگاشته شده و به حاشیه رانده شده بودند به دنبال تغییر روابط نامتعادل قدرت بوده و در این مسیر، هاشمی در یک سیر صعودی به طرق مختلف از منبر گرفته تا میدان مبارزه به دنبال تغییر در ساختار بوده است. در همین راستا تقسیم‌بندی زمانی و شکلی گفتمان مبارزه، که از متن‌های هاشمی اعم از نوشتاری یا گفتاری صورت گرفته است بدین ترتیب است: دو مقطع ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۴ و ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷ با این توضیح که از اواخر سال ۱۳۴۳ که اولین بازداشت هاشمی است از این تاریخ (۱۱ اسفند ۱۳۴۳ بازداشت و ۱۴ تیر ۱۳۴۴ آزاد می‌شود) به بعد هر چه به انقلاب نزدیک‌تر می‌شویم مبارزه از حیث شدت، حدت و گستره، روزافزون می‌شود و مبارزات فرهنگی، سیاسی و مسلحانه، در مقطع دوم هر سه با هم هستند، درحالی که قبل از آن سیر تکاملی و ترتیبی از «مبارزه فرهنگی» به «گذار به مبارزه سیاسی» و «مبارزه سیاسی» را شاهد هستیم.

سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۴۴

۴-۱ گفتمان مبارزه فرهنگی از رهگذر نشریه مکتب تشیع (۱۳۳۸)

مجموعه‌ای از عوامل و جریان‌های متنوع و متکثر طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۷ در فضای اجتماعی و سیاسی ایران وجود داشتند که هر یک به نحوی بر شکل‌گیری ذهنیت و عمل سیاسی هاشمی که در آن دوران نوجوان و جوان (۱۳۲۷ تا ۱۳۳۸) بود اثر گذاشتند. از زمینه‌هایی همچون: ورود مدرنیته به کشور و پیدایش نهضت مشروطه، بازگشت دین به عرصه جامعه و سیاست، گسترش مطبوعات دینی، فکر سیاسی - عقیدتی چپ (حزب توده)، تا جریان‌هایی با محوریت اشخاص شاخص از جمله: امام خمینی، نواب (فدائیان اسلام)، مصدق و کاشانی.

هاشمی در خصوص فضای سیاسی دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و فعالیت گروه‌های سیاسی آن برهه می‌گوید: «هرچند آن روزها، با توجه به کناره‌گیری حوزه از سیاست در دوران زعامت آیت‌الله بروجردی، طلبه‌هایی مثل من در سیاست حضور جدی نداشتند، خاطراتی از جریانات سیاسی آن زمان دارم، به‌خصوص از جریان نهضت نفت و از آن مهم‌تر، فدائیان اسلام (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۸) و همچنین «پیامدهای آزادی‌های سیاسی پس از شهریور ۲۰ افراد و گروه‌هایی را فرصت تحرک فراهم کرد و پیدایش حرکت‌هایی را زمینه‌ساز شد. جبهه ملی، حزب توده و از همه نزدیک‌تر به حوزه، جمعیت فدائیان اسلام و هواداران آیت‌الله کاشانی، که در قم نیز بی پایگاه نبودند» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۵).

تا قبل از رحلت آیت‌الله بروجردی آنچه را هاشمی می‌توانسته بروز و ظهور دهد نوعی کنشگری فرهنگی است که می‌توان نام «مبارزه فرهنگی» روی آن گذاشت. سیاست غرب‌گرایی و ستیز با اسلام اصیل توسط پهلوی اول که رگه‌های آن به دوران پهلوی دوم با فضای ایجادشده برای فعالیت جریان‌های غیردینی از جمله مارکسیسم حزب توده فراهم شده بود، نظم اجتماعی خاصی را ایجاد کرده بود که زمینه گسترش شبهات و استیلای فرهنگی غربی فراهم نموده و هاشمی راه‌کار عبور از این وضعیت را داشتن «دستگاه تبلیغاتی قوی براساس قانون مقدس آسمانی، استفاده از محققان و روشنفکران در تهیه

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۴۷

مقالات با کیفیت به صراحت» اعلام می‌کند (هاشمی، ۱۳۴۰: ۳۶۷). متن مقالات مکتب تشیع محتوای غالباً فرهنگی و خیلی محدود بدون اشاره مستقیم، محتوای سیاسی نیز می‌توان از آن برداشت کرد و حتی به‌رغم اذعان هاشمی به نوشتن مقاله در نشریه مکتب تشیع، ساواک به این موارد حساست خاصی نشان نداده است (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶: ۰۰۱۳/۶، ۴۴۶).

۴-۲- گذار به گفتمان مبارزه سیاسی از رهگذر استعاره فلسطین (۱۳۴۲)

هاشمی با توصیف سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ می‌گوید: «بدین‌سان نهضت، زمستان سرد و سوزانی را پشت سر می‌گذاشت؛ زمستانی که در آن، اختناق رژیم بر همه پایگاه‌های روحانیت و مردم سایه‌ای سنگین گسترده بود (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۸). هاشمی متأثر از نواب و فدائیان اسلام بود و بخشی از فضای مبارزاتی نواب نیز به حمایت از سرنوشت فلسطین تعلق داشت. مسئله فلسطین به‌عنوان عامل مستقلى برای احیاء اسلام در ایران در نظر گرفته می‌شود و از سال ۱۳۲۷ گفتمان حمایت از فلسطین در کشور شکل گرفته بود. البته هاشمی در خاطرات خود بیان می‌کند: «در ایران مسئله فلسطین مسئله متروکی بود» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۷۱). درواقع منظور این است که تلاشی همه‌جانبه برای برجسته‌سازی آن صورت نمی‌گرفت. قبل از ترجمه کتاب سرگذشت فلسطین، در نامه به اکرم زعیت‌ر نویسنده اذعان می‌دارد: «خوشحال می‌شوم که شماره اخیر کتاب (نشریه) خودمان مکتب تشیع را تقدیم شما کنم که در آن مقاله من «اسرائیل و فلسطین» در سال گذشته چاپ شده است» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۸). درواقع می‌توان گفت در مکتب تشیع هم، هاشمی مبارزه را پی‌ریزی می‌کرد.

هاشمی «در دورانی که سرباز فراری بود کار ترجمه کتاب سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار را به انجام رساند» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۰). طبق اسناد ساواک که در کتاب خاطرات هاشمی (هاشمی، ۱۳۸۶) آورده شده است، کتاب سرگذشت فلسطین مورد حمایت

مالی مصدق (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۱۴: ۴۴۷) نیز قرار گرفته است. اسفندماه ۱۳۴۲ آغاز حساسیت ساواک نسبت به هاشمی با کتاب سرگذشت فلسطین بود. اداره کل سوم ساواک از ساواک تهران می‌خواهد که تحقیقات جامعی در این خصوص صورت دهد (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۰۲: ۴۲۶). در همین راستا تیرماه ۱۳۴۳ ساواک مطالب کتاب را مضره تشخیص داده و از شهربانی کل کشور می‌خواهد اقدامات لازم را انجام داده (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۱۰: ۴۳۷) و شهربانی نیز در این خصوص هاشمی را احضار و بازجویی می‌کند (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۱۲/۲؛ ۰۰۱۲/۱، ۱۳۸۶، ۰۰۱۲: ۴۳۹-۴۴۰).

دی‌ماه سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ طبق گزارش ساواک خواسته می‌شود که از رفتن نامبرده به منبر به‌عنوان روحانی افراطی جلوگیری به عمل آید. در شرایطی که امام در تبعید بود و هاشمی از روی منبر برای امام خمینی دعا می‌کرد (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۱۷: ۴۵۱). البته تلاش برای ممانعت از رفتن هاشمی به منبر تا سال‌های دهه ۱۳۵۰ نیز ادامه دارد و ساواک از زیرمجموعه خود می‌خواهد به علت امکان اینکه پاره‌ای از وعاظ و عناصر افراطی مذهبی فرصتی پیدا می‌کنند تا در ماه رمضان برخی از مسائل و موضوعات مذهبی را در قالب مطالب تحریک‌آمیز و خلاف مصالح مملکتی در بالای منبر عنوان نمایند، به جلوگیری از هرگونه فعالیت مضره وعاظ و عناصر افراطی مذهبی پیش‌بینی و مراقبت‌های لازم معمول و نتیجه را گزارش نمایند که هاشمی در صدر این لیست قرار دارد (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۴۰۳/۰۱/۱۴).

در دی‌ماه ۱۳۴۳ ساواک طی گزارش اعلام می‌کند: «با توجه به روابط حسنه فی‌مابین دولت شاهنشاهی ایران و کشورهای انگلستان و با ایالات متحده امریکا و همچنین نظریه مؤلف درباره استقلال کشور ایران، که آن را ظاهری قید نموده است، ادامه انتشار مفاد کتاب یادشده بالا (منظور سرگذشت فلسطین) برخلاف مصالح عالیّه کشور به نظر می‌رسد (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۲۲: ۴۵۵). ساواک در سال ۱۳۴۴ طی گزارشی عنوان می‌دارد: «در

مقدمه کتاب، تحت عنوان استعمار مطالبی واهی و دور از حقیقت در مورد استقلال اغلب کشورهای خاورمیانه از جمله ایران درج نموده» (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۱/۱: ۵۲۷). فلسطین برای هاشمی استعاره‌ای برای مبارزه با حکومت پهلوی بود. همچنین طبق گزارش ساواک در سال ۱۳۴۶: «اخیراً در برخی محافل مذهبی، بعضی از روحانیون به اشخاص توصیه می‌نمایند که کتاب‌های تکامل مبارزه ملی به قلم جلال‌الدین فارسی و سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار ترجمه اکبر هاشمی رفسنجانی را مطالعه نمایند» (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۱۰۴: ۵۸۹). این امر اثرگیری از تحولات مبارزاتی فلسطین و اثرگذاری بر مبارزه داخلی با ترجمه کتاب سرگذشت فلسطین را نشان می‌دهد.

۴-۳- گفتمان مبارزه سیاسی از رهگذر نشریه بعث (۱۳۴۲-۱۳۴۴)

یکی از مهم‌ترین جریان‌هایی که در شکل‌دهی به گفتمان سیاسی هاشمی بسیار مؤثر بوده واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی است. «پس از پانزده خرداد مخالفت‌های قانونمند در چارچوب قانون اساسی به مخالفت با نظام تبدیل شد و اگر تا این زمان علیه شاه و اصل سلطنت کمتر سخن گفته می‌شد از این پس مخالفان کم‌کم شاه و سلطنت را آماج حمله‌های خود قرار می‌دادند» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۸۳). درواقع پس از قیام ۱۵ خرداد استبداد در کنار استعمار یا به قول انقلابیون آن دوره امپریالیزم، مورد حمله قرار گرفت و هر دو به‌عنوان دو روی یک سکه انگاشته شد (فراستی، ۱۳۸۱). اقداماتی که در این مقطع داشتیم، علاوه بر اعلامیه و تشکیل جلسات عمومی در هر مناسبت، نشریه مخفی بعث بود (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۹۱). نشریه بعث بیشتر جنبه سیاسی و پرخاش و افشاگری داشت و نشریه انتقام جنبه ایدئولوژیکش قوی بود، که شاید بر اساس احساس چنین نیازی پس از بعث منتشر شد (هاشمی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۹). اطلاعات داخلی ساواک در گزارشی اعلام

می‌کند که بازاریان تهران که به دیدار آقای (امام) خمینی رفته‌اند این نشریه را خریداری و با خود به تهران آورده‌اند (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۷ دی ۱۴۰۳).

حکومت پهلوی و ساختار غیرقابل اصلاح آن، نظامی است که به معضلات و ادامه حکومت دیکتاتوری پهلوی دامن می‌زند و هاشمی خواستار استیضاح آن و رویکرد به یک نهضت دینی برخلاف انقلاب‌های سیاسی می‌باشد. هاشمی در نشریه بعثت دو دسته راه‌کار متفاوت و متضاد ارائه می‌دهد. از طرفی مبارزه نهایی بی‌امان، پیگیر، وسیع و یک نبرد تماماً عقیدتی و اجتماعی همه‌جانبه را در مقابل حکومت پیشنهاد می‌دهد و خواستار عدم سکوت روحانیت و به‌حاشیه‌راندن روحانی‌نماها و ایجاد تشکیلات و ساختار سازمانی برای روحانیت می‌باشد. یعنی درواقع سیاست عدم سازش با پهلوی دوم را به‌واسطه آنچه عدم رعایت حقوق اساسی مردم و عدم احترام به افکار عمومی است، مطرح می‌کند و خواهان استیضاح هیئت حاکمه می‌باشد. از طرف دیگر، در قالب و چارچوب قانون مشروطه، خواستار بازگشت حکومت به مشروطه و قانون اساسی است (هاشمی و دیگران، ۱۳۷۹).

سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷

۴-۴- گفت‌وگو مبارزه مسلحانه (۱۳۴۴-۱۳۵۷)

همان‌طور که اشاره شد، هاشمی متأثر از مجموعه رخدادها، عوامل و جریان‌هایی بوده که فکر سیاسی و عملیاتی ایشان را شکل داده است. هاشمی در توصیفی که از سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ دارد سرکوب شدن جریان‌های مذهبی توسط حکومت پهلوی و تسلط آن حکومت را روایت می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۴۳).

هاشمی درخصوص نسبت خود و دیگر روحانیون مبارز با اساس مبارزه مسلحانه و گروه‌های چریکی، ضمن اشاره به ماهیت مبارزه که ماهیتی دینی و سیاسی داشت، می‌گوید: «مبارزه ما ... مبارزه مسلحانه نبود، مبارزه سیاسی بود. منتها گاهی به دفاع کشیده می‌شدیم، دفاع

مسلحانه ... ما به مبارزه مسلحانه اصالت زیادی نمی‌دهیم. اصالت را می‌دهیم به مبارزات اصولی مذهبی- سیاسی که اگر برحسب ضرورت به حرکت مسلحانه انجامید، ابایی نداریم البته در اوج خفقان و فشارهای وحشیانه رژیم، برای اینکه فشارهای رژیم بی‌جواب نباشد، مبارزات مسلحانه هم تشویق می‌شد؛ زیرا: اولاً در آن شرایط صدای گلوله و انفجار بمب رساتر از اعلامیه و سخنرانی بود؛ و ثانیاً رژیم را متوجه می‌کرد و خطر سلب امنیت و تلخ‌شدن ذائقه حکومت‌پرستان پهلوی ترمزی بود بر فشارهای ظالمانه؛ و ثالثاً حالت تشفی و امید برای مبارزات می‌شد» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۳۹-۲۴۰). «سال ۵۴ که ما زندان رفتیم، هرچند که در ظاهر مخالفت با مبارزه مسلحانه یک نوع کفر حساب می‌شد و زمینه اتهام بریدگی و ... اما ته دل افراد را که می‌کاویدی، به‌نوعی رودربایستی و ترس از بدنامی می‌رسیدی، و گرنه اکثر مبارزان از پیروزی با این شیوه مبارزه مأیوس بودند» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۴۶).

هاشمی درخصوص چگونگی آشنایی با هیئت‌های موتلفه اسلامی (یکی از گروه‌های مبارز مسلح) می‌گوید: «من در جریان مبارزه از وجود چنین تشکلی اطلاع پیدا کردم. بعد از تبعید امام که ما آمدم تهران، کم‌کم از تشکیلات آنها اطلاعات بیشتری پیدا کردیم. پس از تجدید حیاتشان - در پی ضربه‌خوردن در جریان ۱۵ خرداد- همکاری من با آنها بیشتر شد؛ البته من مسئولیت تشکیلاتی نداشتم، بیشتر مورد مشورت قرار می‌گرفتم (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۹۹ و اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۲/۲۶۰: ۷۳۶). اعدام منصور اولین حرکت‌شان بود ... (در واقع با آقای هاشمی باید موافق بود) که فکر جنگ مسلحانه ابتدا در موتلفه قوی بود، اما پس از ضربه‌ای که به علت ترور منصور (۱ بهمن ۱۳۴۳) به آنان وارد شد، تقریباً این اندیشه از میان آنان رفت چراکه از آن ماجرا نتیجه گرفتند که با عملیاتی کوچک، ضربه‌ای بزرگ به جریان‌های سیاسی وارد می‌شود (هاشمی، ج ۱، ۱۳۸۶: ۲۴۱). ساواک قم، هاشمی را رابط هیئت موتلفه تهران با روحانیون قم معرفی می‌کند (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶

۰۰۷۲/۲؛ ۰۰۷۲/۱، ۵۴۲-۵۴۳). و از طرفی در بازجویی‌های به‌عمل آمده از هاشمی احتمال همراهی و حمایت از عاملان ترور نخست‌وزیر، حسنعلی منصور را می‌داده‌اند (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۵۰/۱۱؛ ۰۰۵۰/۱۰، ۵۰۹-۵۱۰).

هاشمی در خصوص مجاهدین در برهه سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ می‌گوید: «ارزیابی مثبتی از اینها داشتم؛ نقطه‌ضعف قابل‌ملاحظه‌ای به‌نظرم نرسید. بیرون هم که آمدم (از زندان)، در موضع حمایت از این جریان بودم» (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۵۷-۲۵۸). علی لاهوتی‌اشکوری عضو گروه مجاهدین در اعترافات خود اذعان دارد که کمک مالی از هاشمی گرفته است (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۸۶۲: ۱۴۱۷) ولی هاشمی می‌گوید قبل از اینکه بتوانم به وی کمک مالی کنم بازداشت شد (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۸۸۲/۴؛ ۰۰۸۸۲/۳: ۱۴۴۱-۱۴۴۲). گردش کار ساواک سال ۱۳۵۶ در خصوص هاشمی بدین‌قرار است: «برقراری ارتباط با افراد فعال به‌اصطلاح کادر مرکزی گروه (مجاهدین خلق)، اقداماتی در زمینه‌های مختلف (خرابکاری و براندازی) به‌منظور پیشبرد مقاصد خرابکاران نموده» (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۸۸۲/۲: ۱۴۴۰) است. همچنین وحید افراخته از اعضای سازمان مجاهدین خلق در اعترافات علیه هاشمی می‌نویسد: «از چپ‌ترین آخوندهاست و به مبارزه مسلحانه کاملاً اعتقاد دارد» (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۸۹۰/۱: ۱۴۶۵). هرچند هاشمی در بازجویی می‌گوید: «تهمت فعالیت به نفع گروه مذکور (در گردش کار ساواک درخصوص اتهام هاشمی عنوان شده بود: ملاقات و ضمن عضویت در گروهی (مجاهدین خلق) که رویه آن ضدیت با حکومت مشروطه سلطنتی است (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۸۸۷/۲؛ ۰۰۸۸۷/۱: ۱۴۵۲-۱۴۵۳) با رویه اشتراکی را که با فکر و روح من فاصله‌ای از زمین تا آسمان دارد توهین به خودم و روحانیت و مملکت می‌دانم (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۸۸۷/۳: ۱۴۵۴). هاشمی سال ۱۳۵۵، فتوای آیت‌الله درباره گروه به‌اصطلاح مجاهدین خلق مبنی بر حرام بودن حشرونشر با آنها به‌واسطه مارکسیست‌شدن را

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۵۳

امضاء و تأیید می‌کند (مپس، ۱۹ شهریور ۱۴۰۳). ایشان سرانجام در مهرماه ۱۳۵۶ در زندان اوین می‌گویند: «مبارزه مسلحانه در ایران به ثمر نمی‌نشیند» (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۱/۰۹۴۲: ۱۵۳۹).

درمجموع آنچه از مبارزه مسلحانه در اندیشه هاشمی فهمیده می‌شود اصالت مذهبی مبارزه با حکومت پهلوی است، ولی سرکوب گسترده مبارزین توسط پهلوی که همه راه‌ها را به روی آنها بسته بود به معضل فروکش کردن مبارزه دامن زده بود و مبارزه مسلحانه نه به عنوان اصل بلکه به عنوان یک ضرورت در قالب دفاع مسلحانه توجیه می‌شده است. هاشمی و مبارزین از نظرگاه حکومت پهلوی و ساواک در طیف «ضدامنیتی»ها قرار می‌گیرند. یکی از موانع پیش روی آنها برای ادامه مبارزه، گسترش ساختار امنیتی و اطلاعاتی رژیم و سرکوب جریان‌های مذهبی بود که آنها با مشروعیت بخشی به همه گونه مبارزه از جمله مسلحانه به این نوع مبارزات مشروعیت می‌بخشیدند (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۲).

گفتمان مبارزه سیاسی

۴-۵- گفتمان مبارزه سیاسی از رهگذر کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار (۱۳۴۶)

هاشمی درخصوص چگونگی شکل‌گیری اندیشه نوشتن کتاب امیرکبیر می‌نویسد: «رژیم می‌دانست من سرباز نیستم. ولی با همین بهانه زندگی مرا غیرعادی کرده بودند. در تهران زندگی می‌کردم. همان موقع چون نمی‌توانستم منبر بروم، به فکر نوشتن کتاب امیرکبیر افتادم. قبلاً در کتاب «میراث‌خوار استعمار» نوشته مهدی بهار مقاله‌ای درباره امیرکبیر خواندم. آن مقاله در من تأثیر داشت؛ یعنی با آن مقاله به صورت مبسوط با امیرکبیر آشنا شدم. دیدم همان آدمی است که ما می‌خواهیم؛ یعنی هم متدین است، هم ضداستعمار است، هم از عقب‌افتادگی ایران رنج می‌برد، هم با زورگویی‌های سلطنت مخالفت می‌کند، هم یک

مدیر لایق بود و هم سرنوشت شهادت داشت. در میان رجال رسمی دوره گذشته - چه نخست‌وزیری، چه نظامی - کسی را به‌خوبی ایشان نمی‌شناختیم. آن قطعه تاریخ با قطعه تاریخ ما شباهت‌های زیادی دارد. اگر در مضامین کتاب دقت کنید. متوجه می‌شوید که من مطالب را به‌گونه‌ای مطرح می‌کردم که برای مسائل روز ما هم مفید باشد. تعبیرات و ادبیات و فصل‌بندی مطالب به‌گونه‌ای است که شرایط زمان ما را هم تداعی می‌کرد (هاشمی، ۱۳۸۷). همچنین در پاسخ به سؤال روح‌الله خورشیدوند که می‌پرسد: «در پردازش شخصیت سیاسی چرا به امیرکبیر پرداختید و به دیگران مثل قائم‌مقام ... نپرداختید؟» می‌گوید: «البته در همان کتاب به قائم‌مقام هم پرداخته‌ام. ولی عملکرد امیرکبیر بیشتر در ابعاد سیاست خارجی و مدیریت و سرنوشت متناسب با زمان خودمان بود» (خورشیدوند، ۱۳۹۸: ۱۹۸).

هاشمی کتاب خود را به «تمام مسلمانانی که از ضعف و انحطاط کشورهای اسلامی رنج می‌برند و آرزوی عظمت و مجد اسلام و مسلمین وجودشان را مسخر کرده، و با اخلاص و فداکاری در راه تجدید جلال و شکوه اسلام و نجات مسلمین از بند استعمار و استثمار به پیکار برخاسته‌اند» (هاشمی، ۱۳۴۶: ۴) تقدیم می‌کند و برای افکار انقلابی و ضداستعماری عظمت و ارزش قائل می‌شود. هاشمی از زبان امیرکبیر، «عامل فقر و فساد کشور و زمینه برای رشدونمو استعمار، را خود استعمار می‌داند و اشاره دارد که امیر «با تمام قدرت برای ریشه‌کن کردن فقر و فساد کوشش کرد. او احساس کرده بود که افراد نالایق و پست و خودفروش، در هر پست و مقامی که باشند همانند ماشین خودکاری در اختیار استعمارگران قرار می‌گیرند. و ازاین‌جهت سعی داشت چنین افرادی را از کادر هیئت‌حاکمه بیرون بریزد» (هاشمی، ۱۳۴۶: ۸). طبق اسناد به‌جامانده از ساواک درخصوص هاشمی، ساواک سال ۱۳۴۹ نسبت به کتاب امیرکبیر ایشان حساس می‌شود (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۵۱۶: ۹۹۸).

۴-۶- گفتمان مبارزه سیاسی از رهگذر بیانیه‌ها و سخنرانی‌های مذهبی (۱۳۴۶-۱۳۵۱)

هاشمی بیانیه‌ای با عنوان «عزایی به نام جشن» در سال ۱۳۴۶ تهیه و علیه جشن تاج‌گذاری منتشر کرد. در این بیانیه غارت، چپاول، دزدی، رشوه و فساد و خدمت به بیگانه و جنایت به ملت را با حکومت «دیکتاتوری و مستبدانه» تئوریزه می‌شود. مانع اساسی، فشار و خفقان و سلب آزادی توسط حکومت پهلوی است که در این بیانیه با تشبیه رژیم به حکومت یزید، نظم پهلویسم را عامل بیچارگی ملت معرفی می‌کند و بدون ارائه راه‌کار پایان می‌یابد. البته عدم ارائه راه‌کار نقص این بیانیه تلقی نمی‌شود چراکه آن‌گونه که فرکلاف گفته هر متنی الزاماً به راه‌کار ختم نمی‌شود (هاشمی، ۱۳۴۶). هاشمی به اتهام تهیه و توزیع اعلامیه‌ای به نام «عزایی به نام جشن» در مخالفت با جشن‌های تاج‌گذاری، در ۲۰ آبان ۱۳۴۶ دستگیر شد (مراسان، ۲۱ دی ۱۳۹۵).

ساواک جلسات مذهبی به سخنرانی هاشمی در سال ۱۳۴۶ را با عنوان «جلسات مشکوک» توصیف می‌کند (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۴۰۳/۱۲/۱۷). همچنین هیئت انصارالحسین (ع) طی سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۵۱ یکی از مراکز سخنرانی و فعالیت سیاسی هاشمی بود (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۱۶۹: ۶۴۹). ساواک در گزارشی می‌گوید: «سخنرانی هاشمی رفسنجانی جنبه سازندگی دارد و سعی می‌کند که با تلقین عقاید خود به جوانان و تلفیق مسائل زمان گذشته و حال با یکدیگر افکار حضار را به دلخواه خود روشن نماید» (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۷۷۷/۲: ۱۳۱۹). از دیگر کانون‌های مبارزه، حسینیه ارشاد بوده (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۲۵۷: ۷۳۳ و ۰۳۳۱/۲: ۷۹۷) که هاشمی به‌تناوب طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به این حسینیه رفت‌وآمد داشته است (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۲۳۳) و ساواک نیز در گزارش‌هایی سخنرانی‌هایی هاشمی را به مقامات مافوق ارسال کرده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱ فروردین ۱۳۹۷). همچنین مسجد هدایت (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۳۰۵/۱: ۷۶۷) از زبان هاشمی طی سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ پایگاه خوبی بوده تا بتواند در مناسبت‌هایی آنجا سخنرانی کند و از این طریق، زمینه ارتباط گسترده‌تری با

دانشجویان و دانشگاهیان و روشنفکران مذهبی فراهم آورد» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۲۳). در یکی از سخنرانی‌های هاشمی در این مسجد، به محوریت مسجد به‌عنوان پایگاه مبارزاتی و مسلحانه از زبان یکی از انقلابیون الجزایر سخن می‌گوید: «این دعا‌هایی که ما و شما می‌کنیم ارزش ندارد مگر اینکه اسباب و وسایل آن را فراهم کنیم... تمام دول عربی کاری از پیش نبردند تا اینکه فهمیدند تنها چاره کار دست به اسلحه بردن و مبارزه کردن است و باید به‌زور اسلحه سرزمین اشغال‌شده خود را از یهود فرومایه و خون‌خوار پس بگیرند مثل دولت و ملت الجزایر. بعد اضافه نمود چندی قبل یک نفر از طرف نهضت الجزایر به ایران آمده بود من او را ملاقات کردم. او گفت فرانسوی‌ها به تمام شئون ما دست انداخته بود غیر از مسجد ما هم از مسجد استفاده کردیم یواش‌یواش موفق شدیم (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۴۰۳/۱۲/۱۶).

دیدگاه منبع ساواک درخصوص یکی از سخنرانی‌های هاشمی در مسجد همت به نحوی است که از پادشاهان قدیم ایران به‌عنوان دیو استبداد یاد کرده و اعراب را آزاد از هر قیدوبند دانسته و سخنرانی ایشان روح وطن‌پرستی را در شنونده کشته و نسبت به تاریخ کشور ایجاد انزجار می‌کند (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۴/۴۳۹: ۹۰۵). هاشمی متأثر از سیدقطب در جلسه مسجد همت تجریش در سال ۱۳۴۸ می‌گوید: «سید قطب می‌نویسد از جنایت هندی‌ها همین بس (ابتدای استقلال پاکستان) که در دره خیبر یک قطار پر از مسافر مسلمان را نابود کردند» (هاشمی‌رفسجانی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۵۱۴). ساواک بعداً به این نتیجه می‌رسد که «هاشمی با بیان مطالب مغرضانه درپوشش مسائل سیاسی درواقع آنها (متعصبین مذهبی و افراد سابقه‌دار) را شارژ می‌نماید» (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۲/۷۷۷: ۱۳۱۹). معضل اساسی جامعه ایران در سخنرانی‌های هاشمی در هیئت‌های مذهبی، بی‌قانونی و ظلم، و تسلط حاکمان وابسته به استعمار در قالب حاکم ظالم، حاکمیت ظلم و نفوذ استعمار شکل پیدا می‌کند. مانعی کلی به نام آزار و شکنجه مردمان کشور که آن را عمومیت‌یافته

بیان می‌کند و اصل حکومت را مانع از انتشار حقایق برای نگه‌داشتن مردم در جهل و نادانی معرفی می‌نماید. از طرفی با استعاره از معاد و آخرت از روز قیامت و محاکمه فرعون‌های گردنکش، سخن می‌گوید. از طرف دیگر قوام و انتظام جامعه را به داشتن قانون و نوشتن قانونی که برخلاف مصالح بشر نباشد می‌داند.

۴-۷- گفتمان مبارزه فرهنگی

هرچند بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ غلبه با گفتمان مبارزه سیاسی و مسلحانه بود اما گفتمان مبارزه فرهنگی به‌نحوی که مضامین ایدئولوژیک آن به مبارزه سیاسی جهت دهد، دیده می‌شود. همچنین ذیل مبارزه فرهنگی، اثری گفتمانی از هاشمی با عنوان کتاب «ارزش‌ها و مکتب‌ها: مارکسیسم عامل بحران ارزش‌ها» وجود دارد. در این کتاب، معضل طغیان و عصیان مارکسیسم علیه ارزش‌ها و وعده‌های پوچ و عدم دستاورد این مکتب به‌صورت «مکتب مونتاژ» تئوریزه شده و اسلام در برابر آن به‌عنوان عامل پیشرفت معرفی می‌گردد. نظم اجتماعی سرمایه‌داری و بحران‌آفرینی آن زمینه‌ساز صعود نظم مارکسیستی شده و نظام اقتصادی باطل مارکسیسم ثمره این نظم می‌باشد. راه کار هاشمی نفی کلیت مارکسیسم و پذیرش گفتمان اسلام می‌باشد (هاشمی، ۱۳۶۳).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در ابتدای این مقاله به آن اشاره شد بررسی هرگونه معرفتی نیازمند بررسی فضایی است که موجد آن بوده است و در این میان برای بررسی مناسب گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی به بررسی زمینه‌های دور یعنی پیدایش مدرنیته و مشروطه در فضای زیست اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر کشور و به زمینه‌های نزدیک یعنی رخدادها، عوامل و جریان‌های مؤثر داخلی و خارجی و اشخاص جریان‌ساز پرداختیم. تلاش هاشمی بر این

بوده که گونه گفتمانی خود یعنی «روحانیت مبارز» را به عنوان نماد و نماینده و برآیند واقعی حوزه علمیه قم نشان دهد و در این راه با ارائه پیشنهادهایی، ساختارسازی و رسیدن به یک سازمان مشخص برای روحانیت را انتظار داشته و مراجع و علما را دعوت به شکستن سکوت و اقدام عملی نموده روحانیت غیرسیاسی را سرزنش کرده است. هاشمی همراه طرح معضلات در قالب مباحث ایدئولوژیک از جمله: استبداد استعماری، حاکمیت ضد مردمی، حکومت دیکتاتوری و مستبدانه، حاکم ظالم، حاکمیت ظلم و نفوذ استعمار و نبودن عدالت اجتماعی اسلامی در تلاش بوده تا نظام های معنایی حاکم بر ساختار حکومت پهلوی را متزلزل کند لذا این مفاهیم را تدریجاً در گفتمان مبارزه بازتولید و بازنمایی کرده است. ابتدا هاشمی در اواخر دهه ۱۳۳۰ با زبانی فرهنگی و نرم «استیلا فرهنگ غربی» را به عنوان معضل اساسی مطرح می کند ولی بعداً بیشتر به «استعمار نوین» به عنوان معضلی انضمامی تر با زبانی گویاتر اشاره دارد. پس از قیام ۱۵ خرداد معضلی به نام «حکومت دیکتاتوری» برجسته می شود به نحوی که گونه های گفتمانی از جمله گونه سیاسی، فرهنگی و مسلحانه در کنار هم، نظم گفتمانی هاشمی را تشکیل داد که با مفصل بندی استبداد، استعمار، استثمار و روحانیت محافظه کار با زبانی ایدئولوژیک توانسته میان گفتمانی را در جهت تغییر ساختار پهلوی و روابط اجتماعی موجود در آن رقم بزند. زمینه ها، عوامل و رخداد های مهمی در این زمینه در تاریخ معاصر کشور در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ به وقوع پیوست که به نحوه و چگونگی اثر گذاری آن هم در تولد گفتمان مبارزه در آراء هاشمی و هم توسعه آن نیز اشاره شد. در ادامه مختصات و مشخصات گفتمان مبارزه در دو دوره از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۴ و از ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷ با استناد به متون نوشتاری و گفتاری هاشمی به همراه ابعاد تأثیر گذار آن (سیاسی، مسلحانه و فرهنگی) و میزان حساسیت حکومت (ساواک) آورده شد. مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی فصل مشترکی بود که به خوبی می توانست دال میان تهی

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی.....۱۵۹

مبارزاتی را برای هاشمی پرکند و به ایشان و دیگر مبارزان علیه حکومت پهلوی یک آگاهی سیاسی و تاریخی برای برون‌رفت از این وضعیت بدهد.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، تصویر صفحه اول پرونده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ساواک،

۲۰ دی ۱۳۹۵، کدخبر: ۴۲۷/ <https://irdc.ir/fa/news/427/>

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، گزارش ساواک از فعالیت‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و

دستگیری وی، ۲۱ دی ۱۳۹۵، کدخبر: ۴۲۸/428 <https://irdc.ir/fa/news/428/428/>

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، گزارش ساواک از دستگیری و آزادی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

در سال ۴۶، ۲۱ دی ۱۳۹۵، کدخبر: ۴۲۸/428 <https://irdc.ir/fa/news/428/428/>

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، حکم دادگاه نظامی رژیم پهلوی علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

در سال ۵۶، ۲۱ دی ۱۳۹۵، کدخبر: ۴۲۸/428 <https://irdc.ir/fa/news/428/428/>

مرکز بررسی اسناد تاریخی، شرکت سیدمهدی هاشمی رفسنجانی در جلسات مشکوک،

۲۲ آذر ۱۳۴۶،

https://historydocuments.org/sanad/?page=show_document&id=fifbtnpfu
c

مرکز بررسی اسناد تاریخی، شیخ‌علی اکبر هاشمی رفسنجانی، ۲۶ آذر، ۱۳۴۷، تاریخ دسترسی: ۱۶/۱۲/۱۴۰۳،

https://historydocuments.org/sanad/?page=show_document&id=duk94uc
56go

مرکز بررسی اسناد تاریخی، گذری بر انقلاب اسلامی در استان قم به روایت اسناد ساواک - بخش

سوم، ۷ دی ۱۴۰۳/4273 <https://historydocuments.ir/?page=post&id=4273>

مرکز بررسی اسناد تاریخی، قلع‌و‌قمع روحانیون مبارز در رمضان ۱۳۵۲، ۲۴ شهریور، ۱۳۵۲،

تاریخ انتشار ۲۴/۰۱/۱۴۰۳، 2314 <https://historydocuments.ir/?page=post&id=2314>

۱۰۰ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

مرکز بررسی اسناد تاریخی، پایگاه‌های انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۲)، حسینیه ارشاد،
کانون همکاری روحانیون و نواندیشان مسلمان، ۱ فروردین ۱۳۹۷،

<https://historydocuments.ir/?page=post&id=1459>

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، فتوای آیت‌الله طالقانی درباره مارکسیست‌ها و مجاهدین

خلق، ۲۲ آذر ۱۳۵۵، تاریخ انتشار ۱۹ شهریور ۱۴۰۳، <https://psri.ir/?id=5rai67da>

هاشمی رفسنجانی، اکبر، **خاطرات و اسناد دوران مبارزه**، ج ۲، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۶،

دسترسی:

https://dl.persianpdf.com/ebook/1401/Dovrane_Mobarezeh_Hashemi_Rafsanjani.pdf

شماره سند: ۰۰۱۳/۱۱، ۰۰۳۳/۱۲، ۰۱۳۴، ۰۰۶۵۳، ۰۰۷۲۷، ۰۰۸۵۷، ۰۰۶۸۴/۳، ۰۰۳۵۹/۱، ۰۰۲۶/۲، ۰۰۳۳/۱، ۰۰۵۰/۹، ۰۰۸۰۹/۲، ۰۱۲۵، ۰۰۶۲۷/۱، ۰۰۶۲۷/۲، ۰۰۱۳/۶، ۰۰۱۴، ۰۰۰۲، ۰۰۱۰، ۰۰۱۲/۱، ۰۰۱۲/۲، ۰۰۱۷، ۰۰۲۲، ۰۰۶۱/۱، ۰۰۱۰۴، ۰۰۲۶۰، ۰۰۷۲/۱، ۰۰۷۲/۲، ۰۰۵۰/۱۰، ۰۰۵۰/۱۱، ۰۰۸۶۲، ۰۰۸۸۲/۳، ۰۰۸۸۲/۴، ۰۰۸۹۰/۱، ۰۰۸۸۷/۱، ۰۰۸۸۷/۲، ۰۰۸۸۷/۳، ۰۰۹۴۲/۱، ۰۰۵۱۶، ۰۰۱۳۵، ۰۰۱۲۳/۱، ۰۰۱۲۳/۲، ۰۰۱۶۹، ۰۰۷۷۷/۲، ۰۰۲۵۷، ۰۰۳۳۱/۲، ۰۰۳۰۵/۱، ۰۰۴۳۹/۴.

ب) کتاب

اسماعیلی، حمیدرضا، اندیشه سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.

افخمی، رضوان، **زندگی و مبارزات سیاسی اکبر هاشمی رفسنجانی و نقش وی در پیروزی انقلاب اسلامی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی تهران، تهران، ایران، ۱۳۹۳.

بشیریه، حسین، «تجدد: غیریت‌ها و محدودیت‌ها»، **نقد و نظر**، س ۳، ش ۲، ۱۳۷۶، صص ۴۴۲-۴۵۹.

پ) مقاله و پایان‌نامه

جعفریان، رسول، **جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی.....۱۶۱

حسینی‌زاده، محمدعلی، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۵.

خسروپناه، محمدحسین، سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۲۳-۱۳۳، تهران، موسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۷

خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

خورشیدوند، روح‌الله، رهبران چگونه می‌اندیشند، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۸.

خورشیدوند، روح‌الله، نقش باورهای فلسفی پراگماتیسی بر رفتار سیاسی؛ مطالعه موردی احمد قوام و هاشمی رفسنجانی، رساله دکتری، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۸.

دیدهبان اندیشه، ماهنامه تخصصی رصد رویدادهای اندیشه‌ای، پیاپی ۳۵، ۲ (۱۱)، ۱۴۰۰.

روحانی، حمید، خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

زیباکلام، صادق و اتفاق‌فر، فرشته السادات، هاشمی بدون روتوش، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۸.

سمیعی، محمد، نبرد قدرت در ایران؛ چرا و چگونه روحانیت برنده شد؟ تهران، نشر نی، ۱۳۹۷.

صدرشیرازی، محمدعلی، سازمان چریک‌های فدایی خلق، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵.

طاهری، حجت‌الله، خاطرات نیره‌السادات احتشام‌رضوی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

فرازی، عبدالوهاب، روحانیت و سیاست: بازگشت مجدد روحانیت به سیاست و پیروزی انقلاب، پگاه

حوزه، شماره ۲۲۶، ۱۳۸۶. دسترسی <https://ensani.ir/fa/article/63812>

فرازی، عبدالوهاب، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ (روند، بازتاب و نتایج). مجله حضور، ش ۳۹،

دسترسی <https://noo.rs/mOa3p> ۱۳۸۱.

فلسفی، محمدتقی، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

کدیور، محسن، جایگاه حوزه علمیه و روحانیت در ایران در سده اخیر، منتشر شده در وبسایت

شخصی محسن کدیور، ۲۵ آبان، ۱۴۰۰، به نقل از: دیدهبان اندیشه، ماهنامه تخصصی رصد

رویدادهای اندیشه‌ای، س ۲، ش ۱۱، پیاپی ۳۵، ۱۴۰۰.

کرمی‌پور، حمید، **خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

مولوی وردنجانی، عیسی و یعقوب توکلی، «تبیین عوامل ناکامی جنگ‌های چریکی در ایران دوران پهلوی»، **مطالعات تاریخی**، س ۱۷، ش ۶۴، ۱۳۹۷، صص ۴۲-۶۲.

میناچی، ناصر، **تاریخچه "حسینیه ارشاد" مجموعه مصاحبه‌ها، دفاعیات و خاطرات ناصر میناچی**، تهران، حسینیه ارشاد، ۱۳۸۴.

هاشمی رفسنجانی، اکبر و محمدجواد باهنر، **جهان در عصر بعثت**، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۴۶.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، **امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار**، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۴۶.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، **دوران مبارزه**، ج ۱ و ۲، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۶.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، **سرگذشت فلسطین** (ترجمه)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ خسروشاهی، سیدهادی؛ حجتی کرمانی، علی و دعایی، سید محمود، «بعثت»

ارگان داخلی طلاب حوزه علمیه قم، **در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۴**، قم، کلبه شروق، ۱۳۷۹.

ویدوسن، اچ. جی، **تحلیل گفتمان**، تهران، جامعه شناسان، ۱۳۹۳.

یورگنسن، ماریانه و لوئیز فیلیپس، **نظریه و روش در تحلیل گفتمان** ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۵.

پ) مصاحبه‌ها

رجایی، غلامعلی، **زندگی در روستا و مهاجرت به قم**، (مصاحبه با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: <https://rafsanjani.ir>، ۵ مرداد، ۱۳۹۲.

محمودی، محمد، **مصاحبه با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با دبیر پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی**. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: <https://rafsanjani.ir>، ۱۳ بهمن، ۱۳۸۸.

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۶۳

مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با پایگاه اطلاع‌رسانی شفقنا، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: <https://rafsanjani.ir>، ۱۷ مرداد، ۱۳۹۴.

مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با روزنامه جمهوری اسلامی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: <https://rafsanjani.ir>، ۲۸ اردیبهشت، ۱۳۹۰.

مقدم، بیژن، مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با روزنامه جام‌جم، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: <https://rafsanjani.ir>، ۲۹ دی، ۱۳۸۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر، مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با دفتر نشر فرهنگ اسلامی، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: <https://rafsanjani.ir>، ۱۳۸۷.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره نهضت امام خمینی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: <https://rafsanjani.ir>، ۱۱ آبان، ۱۳۷۹.

ت) سایت

امام خمینی (ره)، وصیت‌نامه،

<https://idc0-cdn0.khamenei.ir/ndata/news/9447/680315.pdf>

پرتوی از خورشید، ویژه‌نامه رسالت، ۱۲ خرداد ۱۳۷۸.

<https://hawzah.net/fa/Article/View/6028>

پگاه حوزه، شماره ۴۸، ۱۳۸۶، <https://noo.rs/WFrPw>

جعفریان، رسول، تبارشناسی جریان روحانیون مبارز در اوائل دهه پنجاه. در: کتاب نشریه دو

ماهنامه اندیشه پویا، انتشارات: اندیشه پویا، ۱۳۹۴،

<https://www.khabaronline.ir/news/504993>

جلسه دوم درس‌هایی از تاریخ (بی تاریخ):

http://www.habilian.ir/fa/vije/vijenameha/Vijenameha/v021_ayat/page03_02.html

۱۴۴ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

فراستی، عبدالوهاب، فرجام مشروطیت باعث انزوای روحانیت شد، ۱۳۹۷.

<https://iict.ac.ir/1397/04/mst>

فراستی، عبدالوهاب، جریان‌شناسی فکری سیاسی روحانیت، ۱۳۹۳. <https://www.parsine.com>

کد خبر: ۱۹۱۷۹۶

فراستی، عبدالوهاب، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ (روند، بازتاب و نتایج). مجله حضور، ش ۳۹، ۱۳۸۱.

<https://noo.rs/mOa3p>

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۵). زندگینامه کوتاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به قلم خودش، کد خبر:

<https://www.eghtesadnews.com> ۱۵۸۰۳۷، ۱۳۹۵.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، ارزش‌ها و مکتب‌ها، ۱۳۶۳. <http://pasdareeslam.com/40835>

هاشمی رفسنجانی، اکبر، مبارزه با جشن تاجگذاری، ۱۳۷۶.

<https://rafsanjani.ir/records/521438>

هاشمی رفسنجانی، اکبر، شیعه و مرجعیت، مکتب تشیع، ۱۳۴۰.

<http://ensani.ir/fa/article/59441>

هاشمی رفسنجانی، اکبر، خلاصه زندگی‌نامه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، بی تا.

https://rafsanjani.ir/hashemi_at_a_glance

منابع لاتین:

Fairclough, Norman. A dialectical-relational approach to critical discourse analysis in social research. *Methods of Critical Discourse Analysis*, 2009.

پرتال جامع علوم انسانی

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی.....۱۶۵

پیوست

سند ۰۰۳۳/۱	هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه	۴۷۰
------------	------------------------------	-----

محرمات

تاریخ: ۳۳/۱۲/۱۱ شماره: ۲۸۵۷۰ / قدم شماره پرونده گیرنده: شماره پرونده فرستنده:	 نخست وزیر سازمان اطلاعات و امنیت کشور می.ا.و.ا.ک	گیرنده: ریاست ساواک تهران فرستنده: شماره خط: ۲۵۹ شماره خط: ۴۳/۱۲/۹ پیوست: یک برگ متهم با پرونده مربوطه
--	--	--

موضوع: اعزام متهم اکبر هاشمی رفسنجانی

نامبرده فوق که از طرفداران خمینی است، به طور غیر علنی طلاب را تحریک به تشکیل مجالس و تبلیغات به نفع خمینی و انتقاد از دولت می نماید. غروب روز ۳۳/۱۲/۷ که معاصد با رحلت امام جمعه صادق وزد و خورد در مدرسه فیضیه قم بوده نیز به تحریک وی و چند نفر دیگر طلاب در مسجد بالاسر قم اجتماع نموده و پس از دعا برای خمینی به صورت اجتماع از مسجد مزبور به نفع خمینی به میدان آستانه آمدند که در آنجا به توسط مأمورین متفرق شدند. به علاوه روز ۳۳/۱۲/۸، مجلس دیگری در مدرسه فیضیه ترتیب داده و در آنجا موسوی تهرانی را به متفرق فرستاده که مطالب غیر واقعی مبنی بر مطلوبیت طلاب در زد و خورد مدرسه فیضیه بیان نمود، و به طور کلی از عناصر فعال بر علیه دولت ها و به نفع خمینی می باشد. نامبرده گویا رابط بین هیئت مؤلفة تهران با روحانیون قم می باشد که گویا هیئت مزبور هم با فدائیان اسلام ارتباط دارند. ضمناً کتابی به نام سرگذشت فلسطین را چاپ و منتشر کرده که بر خلاف موازین قانونی بوده و مطالب آن مضمره تشخیص داده شده و طی شماره ۳۵/۸۷۰ ثبت به این ساواک ابلاغ گردیده، با اینکه ساواک قبلاً طی شماره ۲۳۰۴ / ق و ۳۳/۲/۲۵ وی را به وسیله شهربانی احضار نموده تا تذکر لازم به وی داده شود و همچنین توضیحات لازم در مورد چاپ و نشر کتاب مزبور از وی خواسته شده، لکن با اینکه شهربانی به ابلاغ کرده تا زمان دستگیری در ساواک حاضر نشده است. علی هذا متهم با ۶ برگ پرونده متشکله به پیوست جهت هر گونه اقدام

۱۳۰۸۴۸ ز

سند (۱): اعزام متهم اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۴۳ (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۰۳۳/۱:

(۴۷۰

نامبرده فوق، به علت تعصب شدید نسبت به اعمال و افکار خود، در بازجویی از بیان حقیقت خودداری نموده و سعی کرده از دادن پاسخ صریح و صحیح به سؤالات مطروحه خودداری کند و تا حد امکان جواب‌های کوتاه بدهد تا می‌آید اعمال سوء وی بر ملا شود. در مورد اعلامیه خمینی راجع به جشن‌های شاهنشاهی، اظهار داشته که چنین چیزی دریافت نکرده و فقط قسمتی از متن این اعلامیه را از رادیو بغداد شنیده - در حالی که نامبرده در تحقیقات معموله به تفسیر اعلامیه مزبور پرداخته است. مشارالیه اقرار کرده که با مشارکت حمید بهرامی و عده‌ای دیگر اقدام به تشکیل صندوق تعاونی نموده، ولی توضیح نداده که این صندوق به چه هدف‌هایی کمک می‌کرده که ضمناً یکی از آن‌ها تأمین مالی خانواده‌های زندانیان سیاسی بوده است. در مورد ارسال نامه به خمینی و ذکر اسامی بازداشت شدگان و انتقاد از نظر منفی خمینی نسبت به چریک‌های ایرانی، مطلب را انکار می‌کند - در حالی که خود اقرار کرده که در مورد مسئله کوچکی مانند تأسیس دبیرستان دخترانه با خمینی از طریق مبادله نامه مشورت کرده است.^۲

نظریه

علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی اصولاً فرد ناراحت و آشوبگری بوده و سوابق قبلی او مؤید این امر است و طی مدتی که در زندان به سر برده نسبت به قبل به اصطلاح آبدیده‌تر شده و در افکار خود راسخ‌تر گشته و پس از آزادی از زندان جسورانه‌تر از قبل دست به فعالیت‌های غیرقانونی زده است و با توجه به قدرت نفوذ در اطرافیان اقدام به تحریک عده‌ای از جوانان نموده است. به علاوه با در اختیار گذاردن اخبار و اطلاعات مملکتی در اختیار بیگانگان اقدام به بهره‌برداری تبلیغاتی و ایجاد بلوا و آشوب در کشور نموده و سماجت او در انکار حقایق معرف افکارانحرافی

* در مورد این اتهام چندبار در زندان اوین مورد بازجویی قرار گرفته‌ام که بسیار اذیت کردند و یک بار هم به زور مرا غویانیده و چای در حلقم ریختند به طوری که تصور کردم مرا مسموم کرده‌اند و فریاد کشیدم و این مطلب را به اطلاع سایر زندانیان رساندم. به کلی منکر نوشتن نامه بودم بازجوی از مرا در پرونده نگذاشته‌اند و فقط تحلیل کرده‌اند.

سند(۲): نظریه ساواک در خصوص اقدامات غیرقانونی هاشمی (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶،



ج - اولین مقاله در سال فوت مرحوم آیت الله بروجردی در سالنامه سوم مکتب تشیع تحت عنوان «شیعه و مرجعیت» نوشتم؛ مقاله دیگر در سالنامه چهارم مکتب تشیع تحت عنوان «معجزه» نوشتم؛ و مقاله دیگر در سالنامه پنجم مکتب تشیع تحت عنوان «اسرائیل و فلسطین» نوشتم. ضمناً کتابی به نام خانواده‌های خوشبخت نوشته‌ام، به منظور شرکت در مسابقه‌ای که یکی از مؤسسات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ ترتیب داده بود تألیف کردم و یک نسخه را به مؤسسه مزبور فرستادم و نسخه دیگری هم پهلوی خودم هست که هنوز چاپ نشده است.

س - جواب سؤالات خودتان را امضا کنید.

ج - بله. اکبر هاشمی.^۱



۱. جلوه‌گایه جواب ها - چنان که در تصویر سند دیده می‌شود - توسط بازجویی شونده امضاء شده است. ضمناً این بازجویی و گزارش مربوط به آن، بیشتر به جریان دستگیری و زندان ایشان در پایان سال ۴۳ و بهار و تابستان ۴۴ ارتباط دارد؛ با این توضیح: پس از شکنجه و عذوبت در بازجویی، از آنجا که از یکسو اتهامی ثابت نمی‌شود و از سوی دیگر فشارهایی از سوی بازجویی مقامات روحانی و مراجع - جهت آزادی ایشان - متوجه رژیم بوده است، در رفتار خود تجدید نظر می‌کنند؛ لذا پیش از آزادی بازجویی‌های مؤبدانه‌ای قنوت گرفته است که از جمله همین بازجویی است که در خصوص تألیف کتاب سوگندشت فلسطین بوده است و از آنجا که با امضای کتاب مذکور مرتبط است، به نظر می‌رسد که آوردن اسناد آن بازجویی در اینجا بهتر باشد.

رتال جامع علوم انسانی

سند (۴): اشاره هاشمی به انتشار نشریه مکتب تشیع هنگام بازجویی (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶،

۰۰۱۳/۶: ۴۴۶)

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی.....۱۶۹



سند(۵): احضار و بازجویی هاشمی به خاطر کتاب سرگذشت فلسطین (اسناد دوران

مبارزه، ۱۳۸۶، ۱/۱۲/۲۴: ۴۳۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۷۰ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

شماره: ۰۰۷۳۱۹	هشتمین رهنمایی - دوران مبارزه	۵۳۳
تاریخ: _____	شماره: _____	گیرنده: _____
شماره پرونده گرفته: _____	شماره پرونده گرفته: _____	فرستنده: _____
شماره پرونده فرستنده: _____	شماره پرونده فرستنده: _____	شماره: _____
موضوع: _____		پیوست: _____

موضوع: اکبر هاشمی بهرمانی معروف به هاشمی رهنجانی

گزارش

محترماً به عرض می‌رساند: برابری اطلاعات و گزارش واصله، نامبرده بالا از طرفداران سرسخت خمینی است و به کرات در منابر و مجالس اقدامات اصلاحی دولت‌ها را تخطئه نموده، و در پایان هر سخنرانی برای سلامتی خمینی دعا و به دشمنان تخریب می‌کرده است. وی که کتابه سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار را ترجمه و بدون اطلاع مقامات صلاحیندار ضمن تنظیم مقدمه‌ای زننده و به‌منظور خاص چاپ و منتشر کرده، رابط روحانیون با هیئت مؤتلفه اسلامی بوده، و نیز در تاریخ ۴۳/۱۲/۱۲ به اتهام اخلاص نظم و شرکت در تظاهرات طلاب که به‌صورت دموکراسیون برگزار شده بازداشت گردیده است. چندی قبل از طرف آیت‌الله کفائی، مرجع تقلید و ساکن نجف، نامه‌ای به حضور تیمسار ریاست ساواک نوشته شده بود و طی آن از معظوله نقاضا گردیده بود که نسبت به استخلاص وی اوامر مقتضی صادر فرمایند.

مواظب طی گزارشی به استحضار رسید، مدیریت کل پی‌نوشت فرمودند: «به‌عرض تیمسار ریاست ساواک رسید، مقرر فرمودند: پرونده این قبیل اشخاص با مدارک زیاد و محکم که دارند باید تکمیل و به اداره دادرسی ارتش ارسال تا شدیداً مورد مجازات قرار گیرند. و نیز در بولتن ویژه که در مورخه ۴۴/۳/۳۰ به شرف‌عرض رسیده بود نام متهم فوق‌الذکر

خیلی محرمانه

۰۰۸۸۳۸/۲

PersianPDF.com

شماره: ۰۰۷۳۱۹	اسناد	۵۳۳
تاریخ: _____	شماره: _____	گیرنده: _____
شماره پرونده گرفته: _____	شماره پرونده گرفته: _____	فرستنده: _____
شماره پرونده فرستنده: _____	شماره پرونده فرستنده: _____	شماره: _____
موضوع: _____		پیوست: _____

نیز در ردیف درجه ۳ از متهمین هیئت مؤتلفه اسلامی ثبت شده و تیمسار ریاست ساواک نیز پی‌نوشت فرمودند: «دسته دوم پرونده تکمیل و تسلیم دادرسی ارتش شده، لکن ساواک استان مرکز طی نامه ۲۰/۸۴۶۱ الف - ۴۴/۲/۶ اعلام می‌دارد که: «تیمسار ریاست مقرر فرمودند در مورد توخیس اواقعات لازم معمول گردد».

مواظب استحضاراً عرض گردیده تا هرطور مقتضی بدانند اواخر لازم صادر فرمایند.

تهیه‌کننده و متصدی بررسی: ازغندی.
رتیس بخش ۳۱۶: جوان ۴/۸/۸۰
رئیس اداره یکم عملیات: تقوایی ۴/۸/۸۰

خیلی محرمانه

۰۰۸۸۳۸/۲

سند (۶): معرفی هاشمی به‌عنوان متهم درجه ۲ مرتبط با هیئت مؤتلفه (اسناد دوران

مبارزه، ۱۳۸۶، ۱/۰۷/۲۰۰۷، ۵۴۲-۵۴۳)

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۷۱

۱۴۴۰	هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه	سند ۰۸۸۲/۲
به	شماره	از
	تاریخ	
	پیوست	
 نخست وزیر سازمان اطلاعات و امنیت کشور		
خیلی محرمانه		
دریازه (۲)		
گردش کار به دنبال کشف یک گروه خرابکار و برانداز معتقد به ایدئولوژی اسلامی بر مبنای سوسیالیسم، تحت عنوان گروه به اصطلاح مجاهدین خلق ایران، در تهران و شهرستان‌ها که اعضای آن اقداماتی به نفع گروه موصوف انجام می‌دادند و اکثر اعضای این گروه در سال ۲۵۳۰ دستگیر و عده‌ای موفق به فرار شدند که با آغاز زندگی مخفی به تلاش‌های خرابکارانه و ترور شخصیت‌های داخلی و خارجی پرداختند که با پیگیری‌های لازم، مأمورین جهت دستیابی به این عناصر و دستگیری اعضای به اصطلاح نظامی گروه موصوف و تحقیقات از آنان، مشخص گردید نامبرده بالا یکی از افراد فعال و مرتبط می‌باشد که ضمن برقراری ارتباط با افراد فعال به اصطلاح کادر مرکزی گروه، اقداماتی در زمینه‌های مختلف فوق به منظور پیشبرد مقاصد خرابکاران نموده که با تهیه طرح‌های مقتضی دستگیر و برابر قرار تأمین روز ۵۴/۹/۳ شعبه یک بازپرسی دادستانی ارتش، بازداشت و ضمن رؤیت قرار صادره، نسبت به آن اعتراضی ننموده است. مضافاً اینکه گزارش کلی گروه موصوف طی شماره ۳۴۴۸/۸۸ ک - ۲۵۳۴/۷/۳ به اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی ارسال گردیده است. ضمناً در بازرسی از محل سکونت وی مدارک مضره‌ای به شرح صورتجلسه پیوست کشف و ضبط گردیده است. خلاصه اظهارات متهم «در سال ۲۵۳۰ که در زندان قزل قلعه بازداشت بودم، فرصتی بود که به سبب محشور (بودن) و آمیزش با عده‌ای از زندانیان کمونیست که مجاهدین خوانده می‌شدند با افکار و عقایدشان آشنا گردم. پس از آزادی، روابط خود را با تنی چند از افراد این گروه از جمله حمید بهرامی و غیوران - مهدی غیوران، تروریست دستگیر و محکوم به حبس ابد -		

سند(۷): ساواک هاشمی را مرتبط با گروه مجاهدین خلق و خرابکار و برانداز معرفی می‌کند

(اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۸۸۲/۲: ۱۴۴۰)

۹۹۸	هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه	سند ۰۵۱۶
درجه فوریت	طبقه‌بندی حفاظتی	خیلی محرمانه
گزارش خبر		
نسخه شماره هفت از چهاردهم نسخه	۷. منبع ۴۷۴	
۱. به ۴۱۶	۸. منشأ کتابفروشی شمس رفعتی	
۲. از ۴۸۲۰	۹. تاریخ وقوع اخیراً	
۳. شماره گزارش ۴۸۲۰/۱۷۳۵۵	۱۰. تاریخ رسیدن خبر به منبع ۴۹/۷/۴	
۴. تاریخ گزارش ۴۹/۷/۶	۱۱. تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات محل ۴۹/۷/۵	
۵. پیوست	۱۲. ملاحظات حفاظتی	
۶. گیرندگان خبر		
موضوع : کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار		
عطف ۳۱۶/۱۷۲۲		
پیرو ۴۹/۴/۱۴		
کتاب فوق‌الذکر به قلم شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی که توسط کتابفروشی شمس فراهانی چاپ و منتشر گردیده است به پیوست می‌باشد. در این کتاب، در صفحات ۲۸۳ تا ۲۹۰، مطالبی درباره اقلیت‌های مذهبی و فرقه بهایی و نقش آنان در سیاست دوره امیرکبیر نوشته شده است. نظریه شنبه: شنبه نظری ندارد. نظریه یکشنبه: یکشنبه نظری ندارد. آسامی. نظریه چهارشنبه: نظری ندارد. نگهبان.		
۱۳۶۰۳ بایگانی شود ۳/۵۲۰ الف) اداره کلی سوم. ۴۹/۷/۶ ب) بخش ۳: پهلوان ۴۹/۷/۶ ۴۹.۱۴۱ طبقه‌بندی حفاظتی		

زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان مبارزه در آراء آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۷۳

شد. تعداد شرکت‌کنندگان حدود ۲۰۰ نفر بودند.
نظریه شنبه: سخنرانی هاشمی رفسنجانی جنبه سازندگی دارد و سعی می‌کند که با تلقین عقاید خود به جوانان و تلقیق مسائل زمان گذشته و حال با یکدیگر افکار حضار را به دلخواه خود روشن نماید.
نظریه یکشنبه: نظریه شنبه مورد تأیید است و هاشمی رفسنجانی یکی از طرفداران سرسخت خمینی و مخالف دولت است و به این جهت در جلسات هیئت انصارالحسین شرکت می‌کند که اغلب شرکت‌کنندگان در جلسات آن را متعصین مذهبی و افراد سابقه‌دار تشکیل می‌دهند و از طرفداران خمینی به شمار می‌روند و هاشمی نیز با بیان مطالب مغرضانه در پوشش مسایل سیاسی در واقع آن‌ها را شارژ می‌نماید. آمل.
نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است. سپاهی.
نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است.



سند(۹): دیدگاه ساواک درخصوص مضمون سخنرانی‌های هاشمی در هیئت انصارالحسین(ع)

که براندازانه می‌باشد

(اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۷۷۷/۲: ۱۳۱۹)

شد. تعداد شرکت‌کنندگان حدود ۲۰۰ نفر بودند.

نظریه شنبه: سخنرانی هاشمی رفسنجانی جنبه سازندگی دارد و سعی می‌کند که با تلقین عقاید خود به جوانان و تلقیق مسائل زمان گذشته و حال با یکدیگر افکار حضار را به دلخواه خود روشن نماید.

نظریه یکشنبه: نظریه شنبه مورد تأیید است و هاشمی رفسنجانی یکی از طرفداران سرسخت خمینی و مخالف دولت است و به این جهت در جلسات هیئت انصارالحسین شرکت می‌کند که اغلب شرکت‌کنندگان در جلسات آن را متعصبین مذهبی و افراد سابقه‌دار تشکیل می‌دهند و از طرفداران خمینی به شمار می‌روند و هاشمی نیز با بیان مطالب مغرضانه در پوشش مسایل سیاسی در واقع آن‌ها را شارژ می‌نماید. آمل.

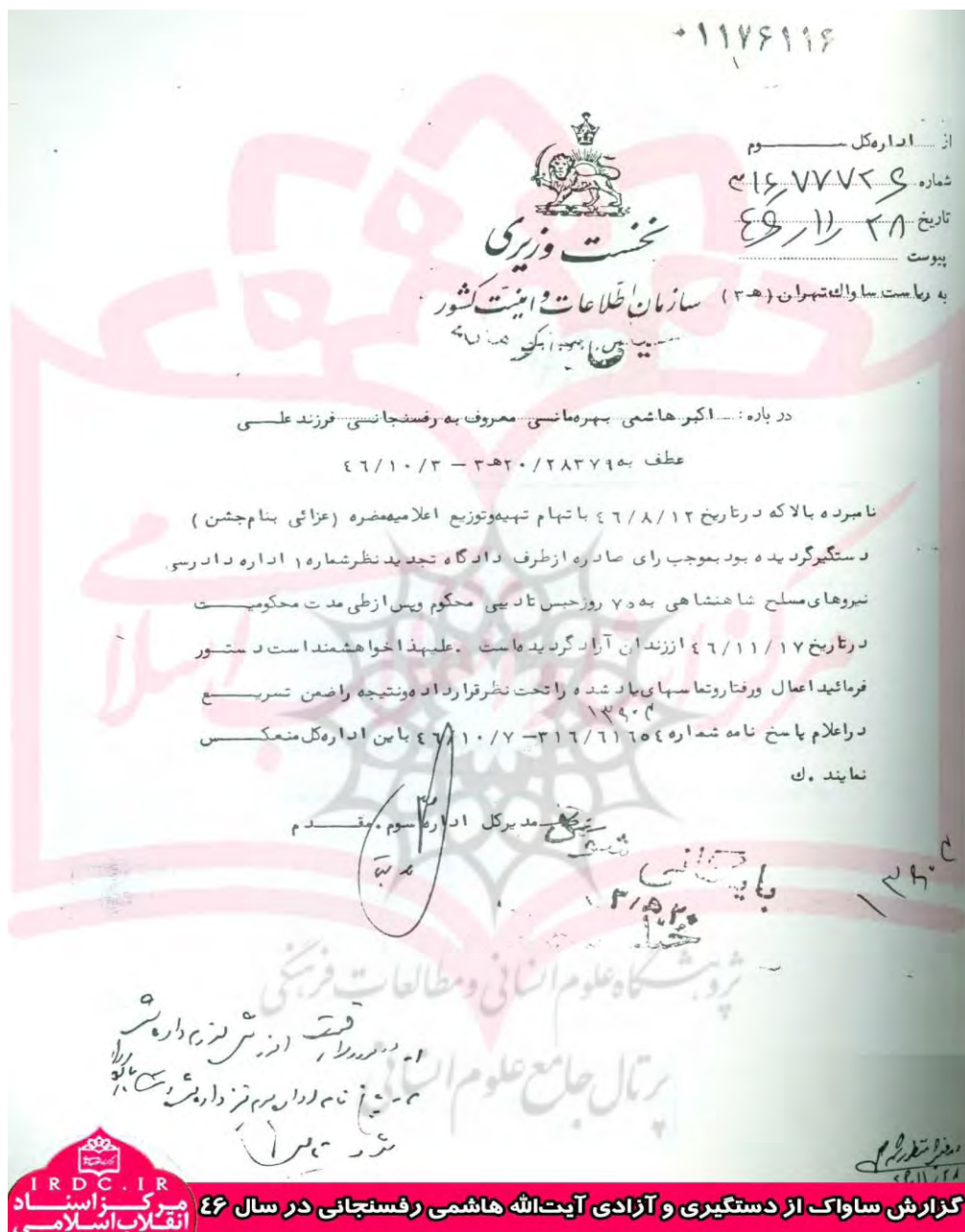
نظریه سه‌شنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است. سپاهی.

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است.



سند (۱۰): نظریه ساواک که معتقد است هاشمی به تحریک متعصبین مذهبی و افراد سابقه‌دار

اقدام می‌کند (اسناد دوران مبارزه، ۱۳۸۶، ۰۷۷۷/۲: ۱۳۱۹).



سند (۱۲): گزارش ساواک از دستگیری و آزادی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۹۶،

مراسن، انتشار ۲۱ دی ۱۳۹۵



صورت اسامی وعاظ ممنوع المنبر در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۳

ردیف	نام و شهرت	نام پدر	محل سکونت
۱	شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی	علی	تهران
۲	شیخ غلامحسین جعفری همدانی	محمد تقی	"
۳	شیخ محمد جواد باهنر	علی اصغر	"
۴	محمد تقی فلسفی	محمد رضا	"
۵	سید محمود علائی طالقانی	ابوالحسن	"
۶	دکتر علی شریعتی مزینانی	محمد تقی	"
۷	حسن لامعوتی اشکوری	نصراله	"
۸	محمد حسین علوی طباطبائی	ابوالقاسم	"
۹	شیخ محمد مفتاح	محمود	"
۱۰	سید عبد الرسول حجازی	محمد طاهر	"
۱۱	سید عبد الرضا حجازی	محمد طاهر	"
۱۲	هادی خاتمی - خاتمی بروجردی	حسن	"
۱۳	رمضان جنتی	محمد جواد	" - کسرج
۱۴	محمد جواد علوی طباطبائی	محمد حسین	" - قم
۱۵	سید علی موسویان	محمد	" - گرمسار، ورامین
۱۶	حسین غزالی (کمالی)	حبیب اله	" - مشهد، قم
۱۷	شیخ صدرالدین حائری	عبدالحسین	شیراز

سند (۱۴): لیست وعاظ ممنوع المنبر، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۲۴ شهریور ۱۳۵۲